

نبرد خلق

کارگران همه ی کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مرگ بر استبداد
زنده باد آزادی
درد بر دانشجویان ایران

جبهه همبستگی ملی
برای سرنگونی استبداد مذهبی

صفحه ۷

گزارش از گردهمایی فلورانس

قطعنامه احزاب، سازمانها، انجمنها و شخصیتهای سیاسی حاضر در مجمع اجتماعی اروپا در فلورانس
در مورد شرایط ایران

یادداشت سیاسی

در سوک فقدان انسانی

والا و برجسته

خاطره صفر قهرمانیان (صفر خان) و

مقاومت پایدار او در زندانهای رژیم

شاه گرامی باد.

با کمال تأسف و تأثر، در اولین ساعات روز یکشنبه ۱۹ آبان صفر قهرمانیان (صفرخان) که ۳۰ سال از عمر خود را در زندانهای محمدرضا شاه گذرانده بود، پس از یک بیماری سخت در بیمارستان ایران مهر تهران درگذشت. صفرخان سمبل مقاومت و ایستادگی در زندانهای رژیم شاه بود و این ننگی بزرگ برای خمینی و رژیم استبدادی مذهبی حاکم بر ایران است که چنین انسان شایسته‌ای دوران پس از آزادی از زندان را در سکوت و سختی طی کرد.

از طرف خود و رفقایم در سازمان چریکهای فدایی خلق ایران فقدان این انسان برجسته و مقاوم را به خانواده و همه دوستان او و به تمام آزادیخواهان ایران تسلیت می‌گویم و از زنان و مردانی که در راه آرمانهای انسانی پیکار می‌کنند می‌خواهم که در مراسم تشییع پیکر صفرخان که روز چهارشنبه ۲۲ آبان ساعت ۹ صبح از مقابل بیمارستان ایرانمهر برگزار خواهد شد شرکت کنند. سخنگوی سازمان چریکهای فدایی

خلق ایران

مهدی سامع - دوشنبه ۲۰ آبان ۱۳۸۱

مهدی سامع

mehdi_samee@yahoo.com

از همان روز پنجشنبه ۱۶ آبان که صالح نیکبخت و کیل هاشم آقاجری اطلاع داد که موکلش به اتهام توهین به اسلام، توسط بی‌دادگاهی در همدان محکوم به مرگ شده است، موجی از تنفر و انزجار در ایران و سراسر جهان، علیه این حکم جابرانه و علیه استبداد مذهبی حاکم بر کشور ما گسترش یافت.

هزاران تن از دانشجویان و استادان دانشگاههای سراسر کشور ضمن اعتراض به حکم بی‌دادگاهی تفتیش عقیده، تنفر و انزجار خود را با شعارهایی همچون «رهبر برو گمشو»، «انصار برو گمشو» و «این آخرین پیام است، جنبش دانشجویی آماده‌ی قیام است»، اعلام کردند.

بقیه در صفحه ۲

سرمقاله —

کدام انگیزه، کدام مطالبه

«مردم سالاری دینی» یا «نظام ولایت فقیه»، صحنه جدال نهایی را آرایش نمی‌دهند. استبداد یا دموکراسی، نظم دینی یا عرفی؟ بحث و گزینش این است.»

در صفحه ۳



صحنه‌سازیهای
مسخره آخوندی و
دعوت مسؤل شورا
برای بازدید از
قرارگاههای مجاهدین

صفحه ۲۰

گم شدن رهبر در سوراخ
دادگاه تجدید نظر

صفحه ۲۰

چالش جناحهای
حکومتی در رابطه با
رادیکالیزم
جنبش اجتماعی

نگاهی به گزارش
سازمان بین‌المللی کار

صفحه ۱۳

یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱
در نیمه راه این موج گسترش یافته، سید علی خامنه ای روز ۲۰ آبان در جلسه سران رژیم به مناسبت آغاز ماه رمضان گفت: «عمده ابزار رهبری هم برای این که این مقاصد عالییه، مقاصد والای نظام جمهوری اسلامی تأمین بشود، همین مجاری قانونی است، یعنی ۳ قوه، قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضائیه.» وی سپس زبان به تهدید گشود و گفت: «البته مواجه شدن با مشکلات بزرگی که قوای سه گانه نتوانند، نخواهند، نکنند، اونوقت مواجه شدن با این مشکلات با نیروی خود مردم خواهد بود که این رو امیدواریم هیچ وقت پیش نیاد که رهبری احساس احتیاج کنه که بایستی نیروی مردم رو وارد میدان کنه، برای این که یک مشکل را برطرف بکنه و یا یک کار بزرگی رو تحقق ببخشه.»

اما تظاهرات هزاران تن از دانشجویان و استادان دانشگاههای کشور و به ویژه اجتماع بزرگ دانشجویان و جوانان در روز سه شنبه ۲۱ آبان با شعارهایی چون «رهبر برو گمشو»، «انصار برو گمشو» خامنه ای را مجبور به یک عقب نشینی مفتضحانه نمود. روزنامه جمهوری اسلامی (روزنامه ولی فقیه) از منابع موثق کسب اطلاع کرده است که روز شنبه ۲۵ آبان، خامنه ای در پاسخ به نامه تعدادی از اساتید دانشگاه (که ظاهراً برای خروج ولی فقیه از بن بست این نامه را نوشته اند)، در ذیل آن به رئیس قوه قضائیه دستور داده با توجه به این درخواست، دادگاه تجدیدنظر این پرونده را بررسی نماید. این روزنامه پیش بینی کرد که حکم اعدام در دادگاه تجدیدنظر، لغو خواهد شد. روز بعد مهدی کروبی بابت آن از ولی فقیه تشکر کرد و گفت: «مقام معظم رهبری در پاسخ به نامه‌ی اساتید دانشجویی مرقوم فرموده‌اند که؛ دادگاه تجدید نظر به موضوع و اتهام آعاجری دقت کند.»

این درحالی است که همزمان در همین روز ۲۵ آبان خیرگزاری دانشجویان ایران متن نامه روح‌الله حسینیان، رییس موسسه اسناد انقلاب اسلامی و یکی از آمران قتل‌های سیاسی زنجیره ای به

رییس مجلس ارتجاع را پخش نمود. روح‌الله حسینیان که حرفهای دانش آموختگان مدرسه حقانی که در بیت رهبری نفوذ قابل توجهی دارند را منعکس می کند در این نامه می نویسد: «سخنرانی پیش از دستور جنابعالی در مورخ ۱۹ آبان ۱۳۵۸ در مجلس را ملاحظه کردم. به پاس محبت‌های بی‌دریغ جناب عالی که همواره شامل حال اینجانب بوده بر آن شدم تا از باب ارادت خالصانه و محبت خیرخواهانه که بی‌شک از مصادیق «النصیحه لائمة المسلمین» است نکاتی چند را تذکر دهم تا شاید مسوولیت خود را در مقابل نظام برآمده از صدها هزار شهید تاریخ تشیع ایفا کرده باشم.» وی سپس به خمینی که اکنون هر یک از سردمداران رژیم به نوعی اندیشه های او را لگدمال می کنند استناد می کند و ادامه می دهد: «آیا فراموش کرده‌اید که هنگامی که بچه‌های مذهبی به مکتبی شهرت پیدا کردند و منافقان، مکتبی بودن را به استهزاء گرفتند، امام چه عکس‌العملی نشان داد؟ امام فرمودند: «تا گفته می شود مکتبی آقایان مسخره می کنند. مکتبی یعنی اسلامی. آن که مکتبی را مسخره می کند اسلام را مسخره می کند. اگر متعهد باشد مرتد فطری است و زنش برایش حرام است. مالش هم باید به ورثه داده بشود. خودش هم باید مقتول باشد.» (صحیفه‌ی امام، ج ۱۴، ص ۳۷۶). حسینیان در پایان روند گرایش به سرنگونی رژیم را به شیوه خود و نه آنگونه که به طور واقعی در جامعه در حال وقوع است را توصیف می کند و می می نویسد: «اکنون با الطاف خداوندی، این گروه (سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی)، چهره از نقاب خود برمی کشد و به زودی راه سلف خود را در رویارویی با نظام اسلامی در پیش خواهد گرفت و شما این واقعه‌ی حتمی را به تأخیر نیفکنید، پلی برای عبور اینان نگردید، خود را شریک تهاجم این گروه بر دژهای نظام اسلامی نکنید و بدانید به زودی خورشید حق از شفق برخواهد تابید و شب فتنه‌انگیز را به عقب خواهد راند.» اما نه عقب نشینی خامنه ای و نه حرکت‌های مفتضحانه بسیجی‌های مزدور ولایت خامنه ای، نتوانست جوانان ایران را از حرکت باز دارد و خیزش آنان همچنان ادامه دارد.

در این میان دوم خردادها کوشش فراوان می کنند که این جنبش عظیم را در چارچوب دانشگاههای کشور نگه داشته و از پیوستن مردم به این جنبش اعتراضی که محتوای آن ضدیت کامل با استبداد مذهبی حاکم است جلوگیری کنند. در چنین شرایط بحرانی و به ویژه با چشم انداز پر تلاطمی که تصویب ۲ طرح خاتمی در مقابل جامعه قرار می دهد و با توجه با بحران انقلابی موجود طرح جبهه همستگی ملی معنا و مفهوم پیدا می کند.

طرح پیشنهادی شورا پاسخ به مساله سرنگونی رژیم در این مرحله مشخص است. البته برای مبارزه و اتحاد برای رهایی مردم ایران، آن هم تحت حاکمیت یک استبداد مذهبی بی سابقه و در شرایط کنونی جهانی، نباید فکر کرد که مسیر رهایی یک اتوبان چند خطه با امکانات فراوان است، برعکس در مقابل ما راهی سخت، دشوار و پر تلاطم وجود دارد که زنان و مردانی می توانند این راه را طی کنند که در اندیشه و عمل به دنبال رهایی مردم باشد. از آنجا که این پتانسیل در مقاومت ما وجود دارد بنابراین این حرکت‌های سیاسی آن همگان را و منجمله خود نیروهای مقاومت را به چالش و آزمایش می کشد. این طرح یک ابتکار عمل مهم در مقابل بن بست کل رژیم، ناتوانی خامنه ای در اتخاذ یک خط مشی کلان و شکست پروژه اصلاح طلبان قلابی به طور عام و حرکت‌های مزورانه خاتمی به طور خاص است. در حقیقت در شرایطی که «جمهوری خاوهی»، «دموکراسی» و «جدایی دین از دولت» به یک مساله عمومی که همه جا از آن صحبت می شود تبدیل شده، و در حالی که سقف اصلاح طلبان قلابی چیزی جز «مشروطه کردن ولایت فقیه» نیست، اعلام این طرح، پروژه قطب بندی در جامعه پیرامون این خواسته های عمومی را تسریع می کند.

از این رو ما و همه کسانی که برای دموکراسی، سکولاریسم، و رفع همه گونه اشکال تبعیض مبارزه می کنند باید به این طرح نه به شکل جز به جز، بلکه به مثابه یک پروژه بزرگ که کل جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد برخورد کنند.

مرگ بر استبداد-زنده باد آزادی
درد بر دانشجویان ایران

هزاران تن از دانشجویان و استادان دانشگاه تهران امروز در یک اجتماع بزرگ ضمن اعتراض به حکم بی دادگاههای رژیم در مورد هاشم آعاجری، تنفر و انزجار خود را از نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه با شعارهایی همچون «رهبر برو گمشو»، «انصار برو گمشو» اعلام کردند. خبرگزاری ایسنا در گزارشی در این مورد اعلام کرد: «از تعدادی از تجمع کنندگان شعارهای بسیار شدید و تند (علیه نظام جمهوری اسلامی و مسوولان عالی رتبه) سردادند.» بعضی از دیگر شعارهای دانشجویان، جوانان و زنان و مردانی که در بیرون دانشگاه با دانشجویان اظهار همستگی می کردند چنین بود: «هاشمی (رییس قوه قضائیه) این آخرین پیام است، جنبش دانشجویی آماده ی قیام است»، «زندانی سیاسی، آزاد باید گردد»، «توپ، تانگ، بسیجی، دیگر اثر ندارد»، «استقلال، آزادی، جمهوری مردمی» و «مرگ بر استبداد-زنده باد آزادی» بود.

نیروهای سرکوبگر رژیم با تیراندازی و حمله به تظاهرکنندگان بیرون از دانشگاه سعی در متفرق کردن آنان می کردند که با واکنش خشم آلود مردم مواجه می شدند. نیروهای سرکوبگر تعداد زیادی از جوانان را دستگیر کردند.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران ضمن اعلام همبستگی با جنبش دانشجویان و جوانان ایران و ضمن محکوم کردن احکام جابرانه ای بی دادگاههای ولایت فقیه، خواستار اقدام عاجل نهادهای بین المللی مدافع حقوق بشر برای توقف دستگیریها و اعدامهای گسترده در ایران است.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران
سه شنبه-۲۱ آبان ۱۳۸۱

حمایت از فراخوان برای بزرگداشت صفر خان،
مظهر مقاومت مردم ایران

بنا به فراخوان تعدادی از زندانیان سیاسی دوران رژیم شاه، و همبندان صفر خان، این بزرگ مرد تاریخ معاصر ایران، مجلس یادبودی در آینده نزدیک برای بزرگداشت خاطره این مبارز بزرگ، که قلبش همیشه برای آزادی انسانها می تپید برگزار می شود.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران با گرامیداشت نام پر آوازه رادمردی که «نام او نه فقط در تاریخ مبارزات میهن ما جاودانه است، بلکه خود سرفصل مهمی از این تاریخ است و همواره بر تارک آن خواهد درخشید.» و با حمایت از این فراخوان، از ایرانیان آزادیخواه و انساندوست دعوت می کند که در این مراسم پرشکوه شرکت کنند. بگذارد مستبدان و ستمگران بدانند که نام و خاطره زنان و مردانی که برای آزادی، صلح و دموکراسی مبارزه می کنند هرگز فراموش نخواهد شد.

سخنگوی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

مهدی سامع

۳۰ آبان ۱۳۸۱-۲۱ نوامبر ۲۰۰۲

سرمقاله ---

کدام انگیزه، کدام مطالبه

منصور امان

در جدال کنونی بین دو جناح حکومت از یک سو و دانشجویان و مردم با آنها از سوی دیگر، آنچه که یک "جانباز" - اینک - محکوم به اعدام به زبان آورده است، با گذشت هر روز از صف آرای این سه نیرو، بیشتر به حاشیه می خزد. برای جنبش دانشجویی، مطالبه آزادی بیان و اندیشه و نظمی که آنرا برتابد، دستور کار اصلی را تشکیل می دهد. این امر را آنان بدون هیچ گونه پرده پوشی در شعارهای خود و نیز با ادامه اعتراضات متشکل، صراحت بخشیده اند. تلاش جناح خاتمی برای بالا رفتن از دوش آنها و کاهش دامنه اعتراضات به محورهای اختلافات خود با باند رقیب، همچون گذشته ناکام باقی مانده است. فراخوان یکپارچه و شتابان رهبران جناح مزبور که در آن دانشجویان را به آرامش دعوت کرده و نسبت به اقدامات تلافی جویانه ی جناح ولایت فقیه هشدار می دادند، نشان داد که آنان تا چه اندازه میزان موفقیت خویش در کنترل و به زیر چتر خود درآوردن جنبش دانشجویی را ناچیز ارزیابی می کنند. کلیه مانورهای اینان بیش از آنکه تدابیری شکل دهنده و تنظیم کننده باشد، اقداماتی پیشگیرانه و تدافعی به شمار می رود. باور به دگرگونی بنیادی ساختارها در میان نیروی بافعل این جنبش، ژرفش یافته تر از آن است که در چارچوب آراء جداگانه دادگاه ها بتواند محدود گردد و این واقعیت را از همان نخست "دوم خرداد" دریافته بود.

تجربیات فراوانی به آنها نشان داده است که برخلاف انتظار و تمایل، این آنها هستند که در عمل به دنباله روی از حرکات اعتراضی ناچار می گردند و به همین دلیل نیز، گنجایش سیاسی آنها به سرعت به پایان می رسد و علامتهای ترمز را در هر گوشه و کنار در برابر دید قرار می دهند. بی گمان اندرز یکی از پایوران دو خردادی به طیف "خودی" تحکیم وحدت" مبنی بر کنار گذاشتن سیاست و دادن آدرس درس و مشق به آنها، رابطه نزدیکی با شوک ناشی از ۱۸ تیر و به حاشیه رانده شدن تشکل فرمایشی مربوطه داشت.

بنابراین یک مشخصه جنبش کنونی و بحرانی که جمهوری اسلامی بدان دچار آمده است، روشن بودن دلایل همه طرفهای درگیر برای صف آرای در برابر یکدیگر و از آن نیز مهمتر، تمرکز روی آنها و نه دستاویزهایی که با واسطه بدانها می رسند، می باشد. حتی هنگامی که تشکلهای مذهبی قم و جریانات و افراد

اعمال قدرت دولت چه در پهنه داخلی و چه بین المللی را نشانه آشکار شکست پروژه ی تقسیم قدرت و همچنین شکل گیری تهدید یک پایه شدن قدرت به سود رقیب می دانند. آمادگی گرایش مزبور برای تغییر در برخی جهت گیریهای مورد مناقشه با ایالات متحده که توسط علائم پرشماری نشانه گذاری می شوند، به روند فاصله گیری این کشور از سیاست پیشین خود مبنی بر پشتیبانی خاموش از خاتمی، شتاب می بخشید. و این برای جمهوری اسلامی، حداقل در رابطه با آنچه که به آمریکا مربوط می شد، به مفهوم بسته شدن پرونده "اصلاحاتی" بود که با خاتمی و طیف پیرامون او آغاز گردیده بود.

ساده انگاری رهبران "نظام" بدان اندازه نبود که پس از این تحول در سیاست خارجی ایالات متحده، بطور جدی به ثابت ماندن مولفه های پیشین در روابط خارجی خود و مهمترین آن رویکرد اروپا در برابر خود، امید ببندند. گشودن حساب روی تضاد منافع احتمالی آمریکا و اروپا - حتی اگر امکان بروز چنین چیزی با وجود درهم تنیدگی علائق مشترک شکل گرفته بین این دو قطب در طول دوران جنگ سرد در آتیه نزدیک وجود می داشت - گرهی از کلاف سردرگم سیاست حکومت در برخورد به اوضاع داخلی و نیز بین المللی نمی گشود. واقعیت این بود که در خلال سالهای پیشین، سیاست کلی اروپا در برابر جمهوری اسلامی، در نظر به فاکتور آمریکا، بیشتر از واکنش در برابر تحولات مشخص تأثیر پذیرفته است تا یک خط راهنمای ثابت! گزینش مانور دهی به جای تعیین سیاست این امکان را به اروپا داده است که "گفتگوی انتقادی"، "بحران سلمان رشدی"، "دگرگونی از راه نزدیکی" و بحران مشهور به "میکونوس" یا به بیان دیگر کلکسیون از رویکردهای مختلف و غالباً ناهمگون را در ویرترین رابطه خود با ملاها گردهم آورد.

پشت کردن ایالات متحده به "اصلاح طلبان"، اتخاذ یک سیاست سختگیرانه تر نسبت به جمهوری اسلامی را برای اتحادیه اروپا ناگزیر می ساخت. و این با وجود ناسازگاری برداشت آنان از توانایی و امکانات "مدره ها" با آمریکا بود. از این پس، امید آقای خاتمی برای تحت تأثیر قراردادن مخاطبانش در اروپا با عبا و قبای سفید ابریشمین نمی توانست چندان بزرگ باشد. اروپاییان بیشتر مایل به دیدن مدال فاکتهای مشخص و شواهد آشکار دگرگونی، بر سینه ملای متبسم بودند. و این سیاستی بود که خاتمی و

یارانش، طی دو دوره ی در اختیار گرفتن کرسی ریاست جمهوری، با موفقیت تمام و البته به بهای از دست دادن بخش بزرگی از قدرت خود، از زیربان آن شانه خالی کرده بودند. مطلوبترین وضعیتی که بخش چیره حکومت می توانست تصور کند، پی گرفته شدن شرایط موجود، علیرغم تغییر عوامل بین المللی و فشار چند جانبه برآمده از آن بود. یک اصطحاکاک دائمی با رقبایی که همواره در انتها ناچار به گرفتن دست پایین بودند، خواب آرام آنان آشفته نمی ساخت. از سوی دیگر مرزهای شناور اصول اعلام شده و در مقابل، پرچنهای محکم منافع مشخص، امکان فراهم آوردن رضایتمندی شیاطین کوچک و بزرگ را بدست می داد. رهبران جمهوری اسلامی ثابت کرده اند که در اتاقهای در بسته و گفتگوهای محرمانه، به خوبی قادر به تشخیص مصلحت از بلوف هستند. حجت الاسلام رفسنجانی بعنوان مثال، هرگز میز مذاکره با مک فارلین، نورت، سولانا، و میزبانانش در قبرس را با کرسی خطابه ی نماز جمعه - جایی که از بمب اتمی اسلامی سخن می گوید - اشتباه نمی گیرد. "محافظه کاران" با اجازه دادن به خاتمی برای تصاحب پست ریاست جمهوری، نشان داده بودند که درجه ای از این اعطاف پذیری را می توانند با خود به پهنه داخلی نیز همراه بیاورند. پیش شرط این نرمخویی اما تعیین قواعد بازی به اختیار خود بود. در یک شرایط نسبتاً کم افت و خیز اجتماعی، شاید عدم سازگاری این قواعد با واقعیت جاری، به ناگزیر پذیرفته و هضم می شد و آنان به سادگی قادر به حرکت دادن بازیگران و تماشاچیان می بودند. اما پروسه ی تحولات که شکل گیری و تشکل یابی اعتراضها و مطالبات اقتشار گوناگون جامعه نیروی محرکه آن محسوب می شد، به پایوران حکومت اثبات کرد که ترسیم کننده میزان عقب نشینی آنها نه خود که درجه ی پیشروی جنبش اجتماعی است. یک دلیل "محافظه کاری" "اصلاح طلبان" همین واقعیت و هراس از بر باد رفتن همه چیز در توفان وزیدن گرفته است. تکیه زدن بر حداقل بخش از قدرت، زیر سایه ای که "عمود خیمه نظام" گسترانده در هر حال پذیرفتنی تر از آینده ای ناروشن و در درجه ی نخست نامطمئن می تواند باشد. با این تفسیر که مرزبندی مشهور به "خودی" و غیرخودی، تنها یک مولفه ی آن را تشکیل می دهد، رقبای حجت الاسلام خاتمی نمی توانند موافق بقیه در صفحه ۴

چالش جناحهای حکومتی در رابطه با رادیکالیسم جنبش اجتماعی

زینت میرهاشمی

خود را به شعار «فقر و بی عدالتی» داده است.

در مقابل، جناح دوم خردادیه‌ها که هویت یابی آنها در رابطه با جناح دیگر، بر بستر ناراضی‌ت و بحران سرنگونی شکل گرفت، درحالی که خود را نجات دهنده سیستم و نظام می‌دانند، با خطر حذف شدن از قدرت سیاسی و هر چه تنگ‌تر شدن فضا برای ابراز وجود روبرو شده‌اند. جناح مزبور بخشی از شعارهای جنبش اپوزیسیون را گرفته و آن را به میزانی که سیستم و نظام که خود در آن زیست می‌کنند، تکان نخورد، دفرمه و مطرح می‌کند. آنها با تکیه بر این شعارها از یک سو می‌خواهند از جنبشهای اعتراضی موجود به عنوان ابزار فشار علیه طرف مقابل استفاده کنند و از سوی دیگر با سوار شدن بر این جنبش، از رادیکالیزه‌تر شدن آن جلوگیری کنند. البته لازم به یادآوری است که این بخش یک پارچه نیست و میزان سهیم بودنشان در قدرت، دوری و نزدیکی به جناح دیگر را نشان می‌دهد.

جنبش کارگران، مزدبگیران و دانشجویان با شعارهای رادیکال و حرکتی اعتراضی، این جناح را مرتب به چالش می‌گیرد. زمانی که گرایش یاد شده به حمایت دانشجویان برای لغو حکم اعدام آغاز می‌رود، با عبور دانشجویان از این خواسته و عمومی شدن مطالبات دیگر، بلافاصله با چالش جدی روبرو می‌شود. مرور شعارهای دانشجویان نشان می‌دهد که، بنیان و محتوای اساسی آنها، علیه استبداد، اعدام و برای آزادی و دموکراسی است. شعارهای جنبش دانشجویی در دایره زد و بندهای پاسدارندگان گوناگون این رژیم جای نمی‌گیرد، به همین گونه است که سمتگیری شعار آنان مبنی بر آزادی زندانی سیاسی نیز در نقطه مقابل آن چه که از سوی دو خردادیه‌ها مطرح می‌شود، قرار می‌گیرد. زندانیان سیاسی از دید این جناح فقط طرفداران ۲ خردادیه هستند، اما جنبشی که به سمت رادیکالیزه شدن پیش می‌رود، ترم زندانی سیاسی را فراتر از این نگرش بسته می‌بیند. زندانی سیاسی همه به اسارت آمدگان به دلیل نوع اندیشه و انگاشت و تعلق به گرایشهای سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گیرد، همان شکنجه شدگانی که این جناح هنوز از آن چه که بر آنها رفت و می‌رود

جنبش اعتراضی کارگران، مزدبگیران و دانشجویان، قدرت سیاسی حاکم در ایران را هر چه بیشتر وارد جبهه بندی و رو در روییهای حاد با یکدیگر کرده است. رفسنجانی و مؤتلفه که در سایه حمایت خامنه‌ای قدرت مانور دارند، روی وضعیت اقتصادی نابسامان و فقر و بیکاری انگشت می‌گذارند و با حربه دفاع از عدالت سعی بر آن دارند تا تنشهای سیاسی موجود در ایران، که زاده فقدان دموکراسی و آزادی بیان و حکومت دینی است را کار عوامل خارجی و تلاش برای تحقق این خواسته‌ها را امری غیر لازم جلوه دهند. خامنه‌ای در سخنرانی‌اش در نماز جمعه اخیر، در حالی که حرکت دانشجویان را به دشمنان خارجی نسبت داد و به بسیج چماقداران علیه آنها تهدید نمود، خواستار «مبارزه بی وقفه با فساد و تبعیض و بی عدالتی» نیز شد. به دنبال این سخنان، چماقداران و لباس شخصیها با شعار «عدالت، عدالت» به دانشجویان معترض یورش برده و بسیاری از آنها را زخمی کردند. موضوع عدالت که از طرف خامنه‌ای و هم پیمانانش؛ بورژوازی تجاری و بازار و رانت خواران به میان کشیده می‌شود، از حد تمسخر و شوخی نمی‌تواند فراتر برود. این جناح در بحران سرنگونی با سوار شدن بر این شعار، قصد دارد اقتدار عقب افتاده جامعه و نیز لپنهای را به عنوان نیروهای اجتماعی پشتیبان، به سود خود بسیج کند. پاپوران حکومت که از ابزار دین در ماکزیمم شکل برای تحکیم قدرت خود استفاده کردند و با همین دستاویز بر انقلاب ضد سلطنتی سوار شدند، قدرت خود را الهی و پایدار تصور می‌کردند. و با اتکاء به همین تقدس دروغین، بیشترین ثروت جامعه را به جیب ریختند و مذبوم ترین چنایتهای ناممکن را در ایران ممکن کردند.

در سالهای یگانگی و شراکت تنگاتنگ جناحها در قدرت، هیچ یک از پاپوران رژیم گمان نمی‌برد که در سایه یک حکومت دینی و با حضور سنگین نیروهای سرکوبگر و اعدام و زندان، شعار برقراری یک حکومت عرفی، تبدیل به یک شعار مردمی و همه گیر شود. به همین دلیل، توسل به وکالت الهی و ابزار دستورهای شرعی و فتوا، امروزه حتا در ذهن دستور دهندگان آن رنگ باخته و جای

دفاع می‌کند. خاتمی که به قول حجابیان نماد دوم خردادیه‌ها است، حتا توانایی آراستن و به کار گرفتن نیروی نمادین خود را

ندارد. درحالی که عده‌ای از سینه چاکشان در زندان به سر می‌برند، او حتا وجود زندانیان سیاسی را انکار می‌کند و حاضر به دفاع از آنها نمی‌شود. این جناح از یک طرف علیه دین حکومتی صحبت می‌کند اما بدیلی که در مقابل آن می‌گذارد باز از چارچوب حکومت فرا تر نمی‌رود. جناح مزبور در حالی که از کم کردن نقش روحانیت در دستگاه سیاسی حرف می‌زند اما آلترناتیوی که ارائه می‌دهد، همه در چارچوب قانون اساسی ارتجاعی حاکم می‌گنجد. به همین دلیل هر چه جنبش اجتماعی مردم عمق و شدت بیشتری یابد، همراه با به زیر ضرب کشاندن جناح ولی فقیه، جناح دوم خردادیه‌ها را نیز دچار چند پارگی می‌کند. زیرا شعارها و خواسته‌های دانشجویان و مردم، از آن جنسی نیست که با اندیشه و تفکر دوم خردادیه‌ها سازگاری داشته باشد. آنها اگر امروز به بهانه دفاع از آغاجری به میدان می‌آیند، بر کسی پوشیده نیست که چشم‌انداز این درخواست، از گنجایش سیاسی جناحها و رژیم در مجموع فراتر نمی‌رود.

برقراری حکومتی دموکراتیک و سکولاریسم، تبدیل مذهب به امری خصوصی، آزادی بیان، آزادی زندانیان سیاسی، برقراری عدالت اجتماعی اینها خواسته‌های بر حق مردم ایران هستند که بر تارک شعارهای جنبش اجتماعی و نیروهای اپوزیسیون خودنمایی می‌کند. عدالت اجتماعی، رفع تبعیض و فقر و ستم فقط در جامعه‌ای دموکراتیک و آزاد و مستقل قابل دسترسی می‌تواند باشد. پس هر دو جناح حاکم اگر توانستند انقلاب و دستاوردهای آن را از نیروهای دموکراتیک و مردم به یغما بگیرند، هرگز نمی‌توانند شعارهای رادیکال و خواسته‌های بر حق مردم را از محتوا خالی کنند. نه این جنبش اجتماعی، سرمایه «اصلاح‌طلبان» است و نه توده‌های فقیر، شعارهای فریبکارانه خامنه‌ای را باور دارند که به پایه اجتماعی‌اش تبدیل شوند. بدون شک گسترش و پیوند مبارزه اقشار اجتماعی، هر کس را که در مقابل خواسته‌های آنان بایستد از مسیر تحولات آینده بیرون خواهد راند.

کدام انگیزه، کدام مطالبه

بقیه از صفحه ۳

نباشند. مشکل اما هنگامی آغاز گردید که در میان «اصلاح طلبان»، برداشت متحد از «بخشی از قدرت» مکان خویش را به تعاریف متفاوتی واگذار نموده و گرایش تندروتر، قدرت گرفتن قوه قضاییه و مجمع تشخیص مصلحت نظام که شعاع کنترل و حوزه نفوذ دولت و مجلس را به شدت محدود می‌نمودند را تنزل جایگاه نهادهای - تسخیر شده - به ژرفای نهادهای تشریفاتی و باری - به هر - جهت ارزیابی می‌نمود و فراتر از آن، تدابیر رقیبان خود را، جهت گرفته به سوی حذف سیاسی آنان در نخستین فرصت یعنی انتخابات مجلس می‌اندیشید. اشتیاق گرایش مزبور برای حفظ و گسترش قدرت به ناگزیر می‌بایست اهرمهایی که به بی قدرتی آنان رسمیت و قانونیت می‌بخشید را - دست کم - بی اثر سازد. و این جز با عبور از این یا آن خط قرمز جمهوری اسلامی - آنگونه که بود و هست - میسر نمی‌شد.

طرح موضوعاتی همچون «حاکمیت دوگانه» و «نهادهای غیرپاسخگو» مقدمات یورش به «رکن رکن نظام» برای به جلو کشاندن و تابوردایی تدریجی از آن بود. این خط مشی بی گمان نمی‌توانست توافق بخش میانی و راست «جبهه دوم خرداد» را به همراه داشته باشد و شکست تلاش برای برگزاری یک کنگره مشترک مرکب از همه ی گرایشها، ناسازگاری مزبور در درونمایه را به روشنی به نمایش گذاشت. برداشت طیف ولایت از این رویداد، فرارسیدن فرصت مناسب برای دفع عوامل مزاحم در جبهه رقیب بود. جبهه سایه در برابر سخنرانی یکی از اینان در همدان، می‌بایست نخست هشدار به آغاز کنندگان هجوم به ولایت فقیه تلقی می‌شد و سپس با بزرگ نمایی انتقادات دینی و شرعی مطرح گردیده در آن، گرایش تندروتر را به کلی در بین یاران پیشین خود منزوی می‌ساخت. برخورد پرهیزگرایانه ی طیف میانی و راست «دوم خرداد» با این ماجرا، اراده باند ولایت برای به پایان بردن آنچه که آغاز کرده بودند را تقویت نمود، بویژه آنکه جبهه ی مقابل نیز آرایش گرفته و پیرامون طرح «خروج از حاکمیت» به فعالیتهایی دست زده بود. بازداشت چند تن از چهره های موثر «دوم خرداد» و وابسته به گرایش تندرو و تعطیلی مراکز تحرک آنان، نشان از آغاز دور جدیدی از نبرد درونی قدرت و این بار با اهدافی ریشه ای تر داشت. صدور حکم اعدام برای هاشم آغاجری تنها یک جلوه صراحت یافته از این امر بود که بلافاصله با به میدان آمدن نیروی اجتماعی، صف آرابی اصلی در جامعه که برآمده از تضادهای اصلی و نهفته در آن است را به نمایش گذاشت. «مردمسالاری دینی» یا «نظام ولایت فقیه»، صحنه جدال نهایی را آرایش نمی‌دهند. استبداد یا دموکراسی، نظم دینی یا عرفی؟ بحث و گزینش این است.

اخبار اعتراضهای کارگران و مزدبگیران

آسمان تاریک برای کارگران شادانپور

روزنامه کار و کارگر ۲ آبان: هوای سردی در کارخانه های تعطیل جریان دارد. سوله های خالی و هوای آزاد برای استنشاق کارگرانی که بیکار شده اند. این اتفاقی است که هر روز در شادانپور می افتد.

بی هیچ حرف تازه ای کارگران صبحها هم را می بینند و گپ می زنند و عصرها به خانه باز می گردند.

واقعا به خانه می روند؟

کارگری جلو می آید و می گوید: یک ماه است که به خانه نرفته ام مدرسه ها که شروع شده بچه است دیگر نمی فهمد که بیکاری یعنی چه. مدرسه هایشان هم از بچه ها بدتر، یک روز هزار تومان، یک روز ده هزار تومان، یک روز درد، یک روز مرض. می گوید کفشهایم پاره شده و خجالت می کشم از بچه ها گفتم لااقل نینیمشان بهتر است مادرش گفت، شلوارش هم پاره شده، چه کار کنم، ماهی شصت هزار تومان پول بیمه بیکاری بعد از ۲۵ سال یعنی چی؟ یعنی چه که من ۲۵ سال کار کردم و الان فقط شصت تومان اینجا می نشینیم و همدیگر را که می بینیم کمی آرام می شویم اما همه ما پر از بدبختی هستیم، وضع هیچکدامان از آن یکی بهتر نیست، چرا؟ یک دفعه توی سه راه آذری رفته بودم با جعبه ام سیگاری، آدماسی چیزی بفروشم، پشت چراغ قرمز یکی از همکاران را دیدم که دستمال گرفته بود و شیشه های ماشینها را پاک می کرد. من کنار چراغ ایستاده بودم و دیدمش ترسیدم خجالت بکشد که جلو نرفتم.

کارگران هم کنار هم ایستاده بودند و به خیال آن که این نوشته های من شاید برایشان تأثیری داشته باشد حرفی می زدند.

یک نفر بی مقدمه گفت: ۴۳ سالگی وقت سکنه کردن است؟ و گفت که بعد از انحلال کارخانه تا حالا سه نفر از کارگران سکنه کرده اند. او نام همکارانش را که در سنین ۴۵، ۴۲ و ۵۵ سالگی دچار سکنه قلبی شده بودند و فوت شدند را این طور اعلام کرد: علی مهرابی، مصطفی سمیعی، حیات علی حریرنی. کارگری گفت: چقدر می شود تحمل کرد؟ زم طلاق گرفته و رفته و کام سنگینی از سیگارش گرفت و ادامه داد: این هم زندگی است که ما می کنیم، الان نمی دانم بچه ها کجا هستند.

وقتی دیدم راست می گوید و بدون خرجی و قرض و قوله نمی شود زندگی

کرد امضای کردم که راحت بشود. چکار از دستم برمی آمد؟ نمی توانستم بگویم که گدایی کن. خودم هم شبها توی خانه اجاره ای مادرم می خوابم از او هم خجالت می کشم و گفت که کاش به جای آزاد علیزاده می بود، کارگر چیت سازی تهران که چند ماه پیش به علت فشار زندگی و مشکلاتی که بر اثر نپذیرفتن بازنشستگی پیش از موعدش پیش آمد خود را در یکی از انبارهای کارخانه اش حلق آویز کرد و رفت وقتی توی خانه اش میهمان داشت و شاید هم از شرم میهمانان بود که چنین کرد. همسرش از او خواسته بود که مساعده بگیرد و کمی برای خانه خرید کند، همسر او مثل هرنزی نگران آبروی خانواده اش بود. او به یک نوع میوه و فقط همان هم رضایت داشت. آزاد به اداره مالی کارخانه رفت و تقاضای پنج هزار تومان مساعده کرد. جواب منفی شنید و باز تکرار کرد: فقط دو هزار تومان. باز هم نپذیرفتند و آن وقت زمانی بود که دنیا می ایستد توی مغز هر آدمی و هیچ راهی برای باز نیست. مجبوری کاری کنی که از این وضعیت درداور خارج بشوی. آنوقت است که اگر بغضت پاره شود و گلویت راحت بشود از این درد عجیب شاید فقط شاید این فکر را

نکنی که از شرم باید بمیری و دنیا را راحت کنی از وجودت، بله، تو باید بمیری بعد از اینهمه سال کار و بیچارگی و این زمانی است برای مردن فرقی ندارد، یا با آزاد بالای دار می روی یا مثل علی مهرابی سکنه می کنی. کارگر دیگری در مورد نحوه درگیری کارگران شادانپور با نیروی انتظامی گفت: این شبیه ای که گذشت، نه، شبیه قبلمش نمی دانم چندم می شود، کارگران مثل همیشه برای معلوم شدن وضعیتشان و از روی ناچاری جلوی کارخانه جمع شده بودند که بر خلاف دفعات قبل که کلاتری ۱۱۹ وارد عمل می شد، این بار یگان ویژه وارد عمل شد و کارگران را با ضرب و شتم به داخل کارخانه هدایت کرد. ما فکر می کردیم کار تمام شده و بعد از ظهر آن روز یک سمت منازلمان حرکت کریم.

اما نیروی یگان ویژه بعد از پمپ بنزین میدان شیر پاک با یک اتوبوس کمین کرده بودند و به محض دیدن کارگران آنها را با ضرب و شتم به داخل اتوبوس هدایت می کردند. که سرانجام با وساطت اعضای شورا و رئیس کلاتری ۱۱۹ کارگران را آزاد کردند.

کارگری پیرانش را بالا زد و جای کبودی را روی بدنش نشان داد. کارگر دیگری پاچه شلوارش را بالا زد و باز همان جای کبودی بود روی ساق

پایش. آنقدر جای کبودی در نقاط متخلف بدن کارگران دیدم که هنوز بعد از دو هفته تازه بود که نمی شد باور نکرد.

همان کارگر باز ادامه داد که: دو روز بعد از این حادثه ۱۶ نفر از کارگران از سوی اداره اطلاعات ناجا احضار شدند و اظهارهای شفاهی دریافت کردند.

آزیر خطر: به پناهگاه مراجعه کنید

روزنامه خراسان - ۲ آبان ۱۳۸۱
چند روز پیش دو مقام امنیتی مؤثر در تصمیم سازیهای کلان سخن از وضعیت ناپهنجاریها در جامعه دادند و از آزیری سخن به میان آوردند که دیری است به صدا در آمده است، حالا کسی نمی شنود، یا تصمیم گیران برانند که خود را به نشنیدن بگیرند یا لااقل با تظاهر به نشنیدن، به برنامه ریزی بپردازند، مساله ای است که بعداً روشن خواهد شد، هنگامی که تاریخ نویسان واژه ها را از میان اسناد مهرخورده، فک پلمپ کرده و به تماشای مردم بگذارند. اما امروز فکر می کنم باز هم باید آزیر را به صدا درآورد، شاید این رسالت نخبگان جامعه باشد که تا تصمیم سازی نشده است نگذارند، حتی برای لحظه ای آزیر به خاموشی منتهی شود. بگذارید آزیر را ما به گونه ای دیگر به صدا در بیاوریم و به فقری بپردازیم که اگر چه خود معلول علتهای بسیاری است اما نسبت به بسیاری از ناپهنجاریها و جرهما، نقش علت را بازی می کند.

تجمع کارگران در برابر کارخانه فرش غرب

روزنامه ایران ۴ آبان ۱۳۸۱ کرمانشاه: ۴۰۰ نفر از کارگران کارخانه فرش غرب در اعتراض به پرداخت نشدن چندین ماه حقوق معوقه خود در محل این کارخانه تجمع کردند. کارگران کارخانه با طرح دادخواستی در هیأت تشخیص، تقاضای پرداخت چهارماه حقوق معوقه و دو ماه عیدی و پاداش پایان سال ۸۰ خود شدند. کریم یاوری مدیرکل اداره کار و امور اجتماعی استان کرمانشاه در این رابطه گفت: مجموع مطالبات کارگران ۱۹۱ میلیون تومان است. مدیران کارخانه قرار است در روزهای آتی یک و نیم ماه حقوق کارگران را تأمین کنند اما این پول کارگران را راضی نمی کند. وی افزود: قرار است مدیر عامل بانک صنعت و معدن نیز به استان بیاید و مذاکراتی را با مدیران گروه نساجی غرب و شرکت

فرش جهت راه اندازی دوباره کارخانه و تهیه مواد اولیه، بازپرداخت مطالبات کارگران و شرکت برق انجام دهد. مدیر کل اداره کار استان کرمانشاه یادآور شد، در حال حاضر کارخانه نساجی نه مواد اولیه دارد و نه برق آن وصل شده است. کارفرمایان نساجی و فرش معتقدند بخش عمده مشکلات کارخانه به دلیل فرسودگی ماشین آلات است.

جلوگیری از فعالیت سیاسی تشکلهای کارگری

خبرگزاری ایسنا: ۵ آبان ۱۳۸۱ - جلوگیری از فعالیت سیاسی تشکلهای کارگری، برای حذف آنها از صحنه و سرخورده کردن آنهاست. چنگیز اصلانی، دبیر اجرایی خانه کارگر استان همدان گفت، با تأکید بر این که کارگران اول سیاسی هستند و بعد صنفی، گفت: متأسفانه امروز کسانی که از همت همین کارگران بر مرکب سیاست سوار شده اند به کارگران می گویند شما صنفی هستید و باید از فعالیت سیاسی خودداری کنید. وی تصریح کرد: این گروه فقط می خواهند رأی کارگران را جمع کنند، بعد هر طور که دوست داشتند برای این قشر عظیم تصمیم گیری کنند. اصلانی همچنین مدعی شد: کسانی که می گویند کارگران نباید فعالیت سیاسی کنند، مانند رضاخان هستند. وی در ادامه گفت: چرا در این کشور یک دانش آموز که به بلوغ هم نرسیده می تواند کار سیاسی کند، اما یک کارگر نمی تواند؟ چرا برای دانش آموزان مجلس دانش آموزی تشکیل می دهند، آن وقت به کارگران که بار اصلی استقلال کشور را به دوش می کشند، گفته می شود فقط فعالیت صنفی شما قابل قبول است؟ کسانی که این چنین می گویند، باید بدانند همان طور که در کارخانجات نباید فعالیت سیاسی بشود، افراد سیاسی هم نباید و نمی توانند بر مرکب تصمیم گیریهای اقتصادی کشور بتازند. اصلانی در ادامه تصریح کرد: این انصاف و عدل نیست که از کارگر فقط کار بخواهیم و بگوییم حق تصمیم گیری و اظهارنظر در مسائل سیاسی را نداری. تمام این حرکتها برای این است که کارگران را به عنوان عظیم ترین قشر این کشور، از تمامی صحنه ها حذف و سرخورده کنند.

بقیه در صفحه ۶

اخبار اعتراضهای کارگران و مزدبگیران

بقیه از صفحه ۵

تجمع کارگران کارخانه های مقدم

روزنامه رسالت ۶ آبان ۱۳۸۱ - جمع کنیری از کارگران کارخانه های مقدم نظرآباد در انتقاد به عملکرد کمیته تشخیص مشاغل سخت و زیان آور دست به تجمع اعتراض آمیز زدند. در پی اعلام نظر کمیته تشخیص شهرستان کرج در خصوص کارگران مشمول قانون مشاغل سخت و زیان آور در کارخانه های مقدم، جمع بی شماری از کارگران بالای ۲۵ سال خدمت که خود را شامل این طرح ندیدند با اجتماع در سالن کارخانه مراتب اعتراض و ناراضی خود را ابراز داشتند.

هزاران کارگر نساجی در آستانه اخراج

روزنامه جوان ۱۵ آبان ۱۳۸۱ - دبیر کانون عالی شوراهای اسلامی کار درباره اخراج بیش از ۱۰۰ هزار کارگر صنایع نساجی هشدار داد. حسن صادقی در گفتگو با خبرنگار جوان گفت: وزارت کار و امور اجتماعی با وزارت صنایع و معادن و سازمان مدیریت و برنامه ریزی توافق کرده است که در قالب بند دال قانون اصلاح ساختار صنایع نساجی، کارگران صنایع نساجی را اخراج کنند.

صادقی همچنین از اعتراض کارگران به حضور هوشمند رضوی، بازرس انجمن صنفی روزنامه نگاران و مشاور رسانه بی وزیر در سمینار اصلاح قانون کار خبر داد که به عنوان نماینده کارگران معرفی شده بود. وی گفت: می خواستند مشاور وزیر را در اصفهان به عنوان نماینده کارگران به سازمان بین المللی کار معرفی کنند که مداخله ما مانع کتک کاری و بر هم زدن سمینار شد و مشاور وزیر با عذرخواهی سمینار را ترک کرد.

بحران ۸۰۰ کارخانه بزرگ

روزنامه کیهان ۱۹ آبان ۱۳۸۱ - دبیرکل خانه کارگر با انتقاد از سیاستهای اقتصادی دولت گفت: در حال حاضر ۸۰۰ کارخانه بزرگ در کشور با بحران مواجهند. وی با بیان

این که در حال حاضر ۱۷ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر از جمعیت کشور به عنوان نیروی فعال محسوب می شوند گفت: "پیش بینی می شود تعداد نیروهای بیکار در کشور تا پایان سال جاری به ۲ میلیون و ۳۱۲ هزار نفر برسد." محجوب، گردش درآمد ارزی کشور در سال گذشته را بین ۴۸ تا ۵۰ میلیارد دلار اعلام کرد و گفت: "میزان سپرده گذاری در نزد بانکها در سال ۸۰ مبلغ ۱۵۳ هزار میلیارد ریال بوده است که ۷۰ درصد آن متعلق به ۲ درصد از سپردگان است و در واقع فقرا هیچ نقشی در سپرده گذاری در بانکها نداشته اند."

تجمع اعتراضی کارگران

ریسندگی مهبان اصفهان

روزنامه کیهان ۲۱ آبان ۱۳۸۱ - کارگران کارخانه ریسندگی مهبان اصفهان باردیگر در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه ۱۱ ماهه و پاداش خود در مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند. یکی از کارگران معترض گفت: کارخانه مهبان اصفهان در شهرک صنعتی مورچه خورت قرار دارد و در حال حاضر در رهن بانک صنعت و معدن است. وی با اشاره به این که مدیر این کارخانه به علت بدهی در زندان به سر می برد، افزود: ۳۴۳ نفر از کارگران این کارخانه ۱۱ ماه است حقوق دریافت نکرده اند و در مقابل زن و فرزند خود شرمسارند. کارگر کارخانه مهبان گفت: متأسفانه هیچ یک از مسئولان تاکنون برای رفع این مشکلات اقدامی نکرده اند و ما کارگران با کوله باری از مشکلات سرگردانیم. وی در عین حال تصریح کرد: دو نفر از همکاران ما به علت مشکلات مالی در این ایام دست به خودکشی زدند، ۲ نفر از خانه فرار کردند و ۳ مورد نیز منجر به جدائی خانواده شده اند و همسرانشان طلاق گرفته اند.

نظر دفتر بین المللی کار در باره

قانون کار رژیم

ایسنا ۲۹ آبان ۱۳۸۱ - خارج کردن برخی فعالیتهای کشاورزی و کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار (مواد ۱۸۹ و ۱۹۱)، تعیین شرایط کارهای سخت و زیان آور و زیرزمینی (ماده ۵۲)، تعیین میزان حداقل مزد کارگران در نقاط مختلف و برای صنایع مختلف در هر سال (ماده ۴۱) و تعیین شرایط کارهای خطرناک، سخت و زیان آور و تعیین بار بیش از

حد مجاز برای کارگران زن (ماده ۷۵) از جمله وظایف شورای عالی کار است که در قانون کار جمهوری اسلامی ایران ذکر شده است و استقلال هر یک از اعضای آن را در تصمیم گیریها ضروری می کند. به گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری دانشجویان ایران، دفتر بین المللی کار در یادداشت خود در خصوص قانون کار جمهوری اسلامی ایران، تأکید کرده است: شورای عالی کار اساساً تحت نفوذ وزارت کار و امور اجتماعی است.

این دفتر در بررسی ماده ۱۶۷ قانون کار جمهوری اسلامی ایران که به شرایط تشکیل و وظایف شورای عالی کار می پردازد، آورده است: به موجب این ماده، شورای عالی کار در وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل می شود و ریاست آن به عهده وزیر کار و امور اجتماعی است. اعضای دیگر شورا کارشناسانی هستند که به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی و تصویب هیأت وزیران انتخاب خواهند شد.

این دفتر با بیان این که نمایندگان کارفرمایان طبق ماده ۱۳۱ و نمایندگان کارگران طبق ماده ۱۳۵ انتخاب خواهند شد، خاطر نشان می سازد: مطابق ماده ۱۳۱، نمایندگان کارفرمایان توسط کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان و مطابق با مقرراتی که به تصویب وزیر کار و امور اجتماعی رسیده است، انتخاب می شوند و در صورت نبود کانون عالی مذکور، نمایندگان توسط وزیر کار و امور اجتماعی منصوب خواهند شد.

این دفتر می افزاید: نمایندگان کارگران نیز توسط کانون عالی شورای اسلامی کار انتخاب می شوند که طبق ماده ۱۳۵ نظارت این انتخابات بر عهده وزرای کار و امور اجتماعی و سازمان تبلیغات اسلامی و تصویب آن نیز به عهده هیأت وزیران خواهد بود.

به موجب یادداشت دفتر بین المللی کار، رهنمودها و دستورات مربوط در خصوص تشکیل و اداره شورای عالی کار توسط وزیر کار و امور اجتماعی مقرر می شود و این در حالی است که دبیرخانه ثابت این شورا در وزارت کار و امور اجتماعی دایر شده است.

این دفتر نتیجه گیری می کند: وابسته نبودن شورای عالی کار به وزارت کار و امور اجتماعی در انجام وظایف و تعهدات این شورا طبق قانون کار، مورد شبهه است.

تلاش رژیم برای راهیابی به سازمان جهانی تجارت و روابط تجاری با اتحادیه اروپا

زینت میرهاشمی

درخواست جمهوری اسلامی برای پیوستن به سازمان تجارت جهانی، برای نهمین بار مورد قبول این سازمان قرار نگرفت. در آخرین اجلاس شورای سازمان جهانی تجارت که در ۲۳ مهر ماه تشکیل گردید، پیوست ایران به این سازمان، علیرغم تلاشهای رژیم و لایبهای آن پذیرفته نشد. سرپرست دفتر نمایندگی تام الختیار تجاری ایران، بعد از ناموفق بودن در این پیوست، گفت: «در حال حاضر بحث پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی یک مسأله صرفاً سیاسی است.» وی می افزود: «مشکلات اقتصادی را نمی توانیم مانعی بر سر راه پیوستن ایران به این سازمان قلمداد کنیم.»

پیوستن به بازار جهانی و برقراری روابط اقتصادی با اتحادیه اروپا از یک سو و نقض حقوق بشر و آشفتگی قدرت سیاسی از سوی دیگر، همواره یکی از پارادوکسهای رژیم ولایت فقیه است.

با وجود وعدههای شیرین معامله های میلیاردی ایران به اتحادیه اروپا، و سفرهای خاتمی به اسپانیا، ایتالیا، اتحادیه اروپا هنوز به درخواستهای ایران پاسخ مثبتی، نداده است. وقولهای داده شده مبنی بر بستن قراردادهای تجاری و گسترش روابط اقتصادی با ایران، در سفر خاتمی به اسپانیا و خرازی به ایتالیا و ... همچنان روی کاغذ مانده است. موضوع حقوق بشر کماکان مهمترین مانع توسعه روابط ایران و اتحادیه اروپا به شمار می رود. فعالیت سازمانهای حقوق بشری و نیروهای مقاومت، در انعکاس رویدادهای فاجعه آمیز در ایران زیر ستم حاکمیت استبداد مذهبی، در مجامع و محافل و افکار عمومی جهان، همکاری تجاری اتحادیه اروپا را با ایران، از حوزه روابط اقتصادی صرف خارج و به محدوده رعایت حقوق بشر کشانیده است.

کریسن پاتن، کمیسر روابط خارجی اتحادیه اروپا بعد از ملاقات خود با کمال خرازی، روز سه شنبه، گفت: «چنانچه ببینیم که گفتگوهای ما با ایران نتایجی در بر ندارد، ناچار خواهیم بود علیرغم پیامدهایی که ممکن است این اقدام داشته باشد، آن را متوقف کنیم.»

خرازی در توجیه رویدادهای اخیر ایران و تظاهرات دانشجویان در اعتراض به حکومت استبدادی با شعارهای مشخص علیه خامنه ای، در بروکسل گفت: «نظام ایران یک نظام منحصر به فرد است و مردم در بیان عقایدشان احساس آزادی می کنند و این امر نشانگر یک نظام متعادل است.» اما در شرایط کنونی، وضعیت ایران، جنبش اجتماعی و نیروهای مقاومت به گونه ای است که هموار شدن این راه را برای رژیم و اتحادیه اروپا امکان پذیر نمی کند.

۲۹ آبان

جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی

اطلاعیه مسؤل

شورای ملی مقاومت

هموطنان عزیز،
نیروها و جریانهای سیاسی آزادیخواه و استقلال طلب ایران،
با قدردانی مجدد از موج همبستگی خود انگیزخته یی که امسال، در اوج رویارویی مقاومت با رژیم خونخوار خمینی، به دفاع از حقانیت مقاومت برای سرنگونی نظام استبداد مذهبی حاکم بر ایران برخاست و توطئه استعماری - آخوندی قرار دادن نام سازمان مجاهدین خلق در فهرست سازمانهای تروریستی را افشای و رسوا کرد؛

با یادآوری تأکید شورای ملی مقاومت بر احراز حاکمیت مردم از طریق مقاومت مشروع ملی در نقطه مقابل نفی آرای جمهور مردم و حقوق دموکراتیک همه افراد و اقلیتها و ملیتها توسط خمینی، که از مهرماه سال ۱۳۶۰ درصد برنامه شورا و دیدگاههای دولت موقت، خاطر نشان گردیده است؛

با تکیه بر ضرورت و فوریت لغو تبعیض مذهبی، که یکی از ارکان اساسی نظام استبداد دینی حاکم بر کشور است، و با یادآوری طرح مصوب شورای ملی مقاومت درباره ی دین و دولت در سال ۱۳۶۴ و تصریح بر این که هیچ یک از شهروندان به دلیل اعتقاد یا عدم اعتقاد به یک دین یا مذهب در امر انتخاب شدن، انتخاب کردن، استخدام، تحصیل، قضاوت و دیگر حقوق فردی و اجتماعی مزیت یا محرومیتی نخواهد داشت؛

با توجه به فراخوان رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت برای دوران انتقال حاکمیت به مردم ایران خانم مریم رجوی که همبستگی ملی را مظهر ایستادگی و شیدایی همه ی اجزای ملت بزرگ ایران برای رهایی از ستم آخوندی خوانده و تأکید کرده است که این همبستگی فراتر از هرگونه منافع گروهی و سیاسی، عمیق ترین آرمانهای آزادیخواهانه ی عموم مردم ایران از هر مسلک و مرام و مذهب و قومیت را منعکس می کند و عزم جزم آنان را برای سرنگونی رژیم ضدانسانی و ضدایرانی خمینی تجسم می بخشد (۳۰ تیر ۱۳۷۳)؛ و هم چنین با توجه به پیام تبریک او به جبهه همبستگی در تظاهرات بزرگ ۳۰ خرداد امسال، به خصوص در آنجا که می گوید: این جبهه را شما تشکیل دادید. تک تک شما. شما ایرانیان، تک تک زنان، مردان، جوانان، روشنفکران،

نویسندگان، شاعران، هنرمندان، ورزشکاران و افراد و نیروها و گروههایی که با نفی شیخ و شاه (یعنی نفی دیکتاتوری و وابستگی) خواهان سرنگونی استبداد مذهبی و استقرار آزادی و حاکمیت مردم در میهن اسیرمان هستید؛ در پاسخ به درخواستها و پیشنهادهای و سؤلهای مشتاقان آزادی میهن درباره راههای تقویت و گسترش همبستگی ملی، به استحضار میرسانم:

۱- موضوع از جوانب مختلف در اجلاس اخیر شورای ملی مقاومت مورد بحث و بررسی قرار گرفت .

۲- شورا، وسعت نظر سیاسی و احساس مسولیت ملی و پیگیریهای خانم مریم رجوی در این خصوص را مورد استقبال قرار داد .

۳- به منظور اتحاد عمل نیروها و جریانهای سیاسی که خواهان همکاری و همراهی مبارزاتی هستند، اما به هر دلیل نمی خواهند یا نمی توانند مانند اعضای و پشتیبانان متعهد شورا یا اعضای هواداران متعهد سازمانهای عضو شورا، التزام به برنامه شورا و دولت موقت و طرحها و دیگر مصوبات شورا را بپذیرا شوند، شورای ملی مقاومت طرح جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی را تصویب کرد و آن را به همه نیروها و جریان های سیاسی آزادیخواه و استقلال طلب ایران پیشنهاد نمود. این پیشنهاد، ظرفیت همبستگی، عزم همکاری و توان همراهی همه ما را به آزمایش می کشد .

با آرزوی توفیق در آزمایش همبستگی ملی برای همه ی نیروهای سیاسی مخالف رژیم آخوندی طرح مصوب شورا را تقدیم می کنم.

برای سرنگونی استبداد مذهبی

۱- شورای ملی مقاومت ایران با تأکید بر التزام اعضای خود در قبال برنامه شورا و دولت موقت و طرحها و مصوبات و ساختار سیاسی شورا، طرح جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی را اعلام می دارد و در چارچوب این جبهه آماده همکاری با دیگر نیروهای سیاسی است.

۲- جبهه همبستگی ملی، نیروهای جمهوری خواهی را که با التزام به نفی کامل نظام ولایت فقیه و همه جناحه و دسته بندیهای درونی آن، برای استقرار یک نظام سیاسی دموکراتیک و مستقل و مبتنی بر جدایی دین از دولت مبارزه می کنند، در بر می گیرد.

جبهه همبستگی ملی تبلیغ به سود حاکمیت آخوندی و هر یک از جناحهای آن و مذاکره و برقرار کردن رابطه با آنها را خط قرمز پیکار آزادی خواهانه و مرزبندی ملی ایرانیان در برابر حاکمیت آخوندی می شناسد و آن را محک تشخیص دوست و دشمن و معیار تنظیم رابطه با کلیه افراد و جریانهای سیاسی می داند.

۳- داوطلبان عضویت در جبهه، التزام خود را به ماده ۲ این طرح اعلان می کنند. اولین گردهمایی جبهه، به بحث و گفتگو درباره همه مسایل جبهه از جمله بررسی و تصویب عضویتها، تنظیم و تصویب آئین نامه های لازم و انتخابات درونی جبهه می پردازد.

تبصره: دبیرخانه شورا تدارک برگزاری اولین گردهمایی جبهه را بر عهده دارد.

طرح حاضر در سه ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۸۱ در شورای ملی مقاومت ایران به تصویب رسید .

مسؤل شورای ملی مقاومت ایران
مسعود رجوی

برگزاری

طرح جبهه همبستگی ملی



اجلاس

شورای ملی

مقاومت ایران

اجلاس بزرگ شورای ملی مقاومت ایران طی روزهای ۱۲ و ۱۳ آبان با حضور خانم مریم رجوی، رئیس جمهور برگزیده شورای ملی مقاومت و با حضور ۵۳۰ تن از اعضای شورا برگزار شد.

اجلاس شورا پس از بررسی تحولات داخلی و بین المللی، به بحث پیرامون طرح جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی پرداخت و در دومین روز اجلاس، پس از ۱۲ ساعت شور و تبادل نظر، آن را به تصویب رساند.

رئیس جمهور برگزیده مقاومت، خانم مریم رجوی، تصویب طرح جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی را به مسؤل شورای ملی مقاومت و کلیه اعضای شورا تبریک گفت.

چشم انداز طرح جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی رژیم

هر کس که علیه نظام استبدادی، مذهبی حاکم است، هر کس علیه جمهوری اسلامی به مثابه یک نظام ارتجاعی است و برای یک جمهوری سکولار، دموکراتیک و مستقل مبارزه می کند، با ما است.

جنگ صدا: شما چشم انداز جنبش را چگونه می بینید؟

سامع: من فکر می کنم که اولاً ما نباید در رابطه با کنش و واکنش نیروهای سیاسی در رابطه با چنین طرحی عجله کنیم. چون ما یکشبه خواب نما تشدیدیم که چنین جبهه ای و چنین طرحی را اعلام کنیم و بگوئیم از امروز می خواهیم چنین کاری را انجام دهیم. نه، چنین چیزی نیست. یک خواستی در جامعه وجود دارد که خودش را در حرکت‌های مردمی، در واکنش ایرانیان خارج کشور در رابطه با جنبش ما نشان می دهد. این خواست یک فشار اجتماعی است که به ما هم مثل بقیه نیروها وارد می شود، یک نیرویی زودتر به این خواست، به این نیاز پاسخ می دهد. خواه ناخواه نیروهای دیگر هم، اگر جدی هستند در مبارزه برای یک

جمهوری سکولار، اگر جدی هستند برای یک دموکراسی، خواه ناخواه این فشار اجتماعی به آنها هم فشار می آورد که وضع خودشان را مشخص کنند. چون در دوره بحران نیروهای سیاسی جدی نمی توانند منفعل باشند، در مقابل رویدادهای سیاسی و به ناچار باید کنش و واکنش مناسب خودشان را نشان بدهند. اگر بخواهند منفعل باشند و یا اگر بخواهند به اشکال غیر سیاسی به این جنبش و به این نیاز پاسخ بدهند، چیزی جز این که خودشان را منفرد کنند و خودشان را ایزوله کنند نتیجه ای نخواهد داشت.

من چشم اندازش را این گونه می بینم و فکر می کنم که ما و دیگران در مقابل یک آزمایش یعنی در مقابل جنبش اجتماعی مردم ایران قرار گرفته ایم و در واقع کنش و واکنشهای ما، ما را در رابطه با این جنبش پیش می برد یا عقب می برد. اگر بتوانیم پاسخ درست بدهیم خواه ناخواه پیش می برد و اهداف جنبش هم زودتر و البته با هزینه کمتری متحقق می شود.

جنگ صدا: از وقتی که به خاطر این گفتگو به ما دادید سپاسگزاریم.

جنایت می کند، رهبر حمایت می کند. البته شعارهای مرگ بر استبداد، زنده باد آزادی و زندگی سیاسی آزاد باید گردد هم وجود داشت. منظورم این است که این شعارها اگر وجود دارد و اگر در جامعه چنین گرایشی وجود دارد که نیروهایی که برای جمهوری مبارزه می کنند، یک جمهوری مدرن، دموکراتیک و سکولار مبارزه می کنند. و ما به این اعتقاد داریم که چنین گرایشی، گرایش مسلط در جامعه ما است، اعلام چنین طرحی خواه ناخواه یک امیدی برای این جنبش ایجاد می شود و ضمناً نیروهای مختلفی که در این جنبش کنش و واکنش دارند اینها را تحت تاثیر قرار می دهد و به ناچار روند این مبارزه را تشدید می کند و آن را سمت و سو می دهد، برای اهداف مشخص.

جنگ صدا: این بسیار طبیعی است که رژیم در مقابل روند شکل گیری یک جبهه فراگیر در مقابل خودش عکس العمل داشته باشد. واکنش رژیم بعد از اعلام این طرح چگونه بوده است؟ چه عکس العملی نشان داده است؟

سامع: من تا حالا در این دو سه روز که طرح اعلام شده است واکنشی ندیدم. ولی رژیم ابتدا کوشش می کند که از برخورد سیاسی (به خصوص جناح حاکم) جلوگیری کند و برخوردی توطئه گرانه را پیش ببرد. منجمله رژیم از طریق ایادی و کسانی که در واقع مزدورانش هستند و یا کارکنانش هستند، یا از طریق نیروهایی که با محافل استعماری و امپریالیستی همسو با رژیم هستند، کوشش می کند تا در مقابل چنین طرحی کارشکنی بکند، کوشش می کند که به جای یکسری چالشهای منطقی نیروهای جمهوریخواه برای استقرار و ایجاد این جبهه، یکسری درگیریهای انحرافی ایجاد کند. ولی خواه ناخواه مجبور است که در مقابل چنین اتفاقی که به خصوص این اتفاق در داخل نیروهای داخل ایران و در داخل جامعه ایران واکنش ایجاد خواهد کرد، عکس العمل نشان دهد و در مقابلش بایستد. البته در رابطه با اصلاح طلبان قلابی، آنها را هم با یک چالش جدیدی روبرو می کند. چون در این صورت دیگر نمی توانند این حرف دروغ را به مردم بگویند که مقاومت ایران می گوید «که هر که با ما نیست علیه ما است». چون در حقیقت این طرح یکبار دیگر به صراحت می گوید

استقلال عمل خودشان وارد یک جبهه می شوند و برسر یک سلسله مواضع مشترک برای این هدف یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک نظام مستقل و دموکراتیک و سکولار مبارزه متحد می کنند و اشتراک نظرهایشان، نقاط مشترکشان را به صورت یک همکاری در جبهه نشان می دهند.

جنگ صدا: پس در این صورت شورای ملی مقاومت هم به عنوان یکی از سازمانهای تشکیل دهنده این جبهه محسوب می شود، با توجه به این موضوع، سازمانهای تشکیل دهنده شورای ملی مقاومت آیا به طور مستقل می توانند در این جبهه شرکت کنند؟ یا شرکت این سازمانها در چارچوب شورای ملی مقاومت خواهد بود؟

سامع: پیشنهاد شورا این است که: شورای ملی مقاومت به عنوان یک واحد مستقل در این جبهه شرکت کند. البته در اولین نشست جبهه در رابطه با نیروهای دیگری که احتمالاً بیبوندند (اگر چنین چیزی البته صورت بگیرد) می شود مذاکراتی پیرامون چگونگی رابطه نیروها در این جبهه انجام داد. چنین چیزی بسته نیست. به هر حال چون شورای ملی مقاومت وجود دارد و برنامه خودش را دارد و ساختار خودش را دارد. پیشنهاد می دهد که با دیگران وارد یک ائتلاف جدید بشود. حالا این که در درون این ائتلاف چه تغییراتی، چه روابطی ایجاد می شود این قابل مذاکره است، و باید گذاشت تا وقتی که اولین نشست جبهه که تشکیل می شود، دید که چه اتفاقی آن جا صورت خواهد گرفت.

جنگ صدا: به نظر شما این طرح می تواند چه تاثیری در روند مبارزات مردم ایران داشته باشد؟ آیا به پیش خواهد برد؟ این امکان وجود دارد؟

سامع: فکر کنم که در این یک ساله اخیر به خصوص، در حرکت‌های مردمی از سالگرد ۱۸ تیر و در تظاهرات کارگران در ۲۵ تیر و در همین تظاهراتی که امروز سه شنبه در دانشگاه تهران صورت گرفت، می شود این حکم را صادر کرد که مردم قطعاً نظام استبدادی مذهبی حاکم را و تمام دسته بندیهای آنرا رد می کنند و خواستار یک نظام نوین هستند که این نظام یکی از مهمترین مشخصاتش سکولار بودن آن است (جدایی دین از دولت). البته می دانید در تظاهرات دانشجویان شعارهایی که به وضوح صحت این نظر را ثابت کند داده می شد. مثلاً، انصار بروگم شو، رهبر بروگم شو، مرگ بر شاه - مرگ بر اکبر شاه، یا شعارهایی از این دست که، بسیجی

گفتگوی جعفر پویه از جنگ

صدا با مهدی سامع

شنوندگان عزیز جنگ صدا: هم چنانکه مطلع هستید شورای ملی مقاومت در آخرین نشست خود طرح جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی حاکم را تصویب کرد. در همین رابطه گفتگویی داریم با رفیق مهدی سامع سخنگوی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران.

جنگ صدا: رفیق سامع، باتشکر از شما به خاطر وقتی که به ما دادید، لطفاً بگید طرح جبهه همبستگی ملی در مقایسه با شورای ملی مقاومت، چه نکته‌های جدیدی دارد و آیا در مقایسه این دو با یکدیگر تغییراتی اتفاق افتاده است یا خیر؟

سامع: من به شما و شنوندگان جنگ صدا سلام عرض می کنم. خدمتان عرض کنم که تا آن جا که مربوط به مبارزه علیه نظام حاکم بر ایران است، تا آنجا که مربوط به رد کامل و همه جانبه این نظام و هرگونه رابطه با آن است، تا آنجا که مربوط به مبارزه برای سرنگونی نظام استبدادی مذهبی حاکم بر ایران است، البته هیچ تغییری صورت نگرفته است. ما کماکان به عنوان شورا، جملگی اتفاق نظر داریم که هیچ راهی برای اصلاح در درون این رژیم وجود ندارد و ما هم چنان برای سرنگونی آن تلاش می کنیم. اما به جز این مسئله تغییرات خیلی فاحش و بسیار اساسی و روشنی صورت گرفته است. ببینید در گذشته ما از نیروهای سیاسی ای که علیه این نظام هستند، دعوت می کردیم که به شورای ملی مقاومت بپیوندند. به هر دلیلی اکنون کسانی هستند که نمی خواهند و یا نمی توانند و یا قبول ندارند که به شورا بپیوندند و ایراداتی به آن دارند، ما حالا پیشنهادمان که در حقیقت پاسخی به شرایط جدید و موقعیت بحرانی جامعه است این است که اگر جمهوری خواهانی هستند که برای نفی این نظام مبارزه می کنند ولی می کنند (به هر شکل مبارزه می کنند ولی برای نفی این نظام) و به دموکراسی، استقلال و جدائی دین از دولت اعتقاد دارند، بیایند و بنشینیم و بنیاد یک جبهه را بریزیم و پیرامون قواعد و قوانین آن مذاکره کنیم. البته همان طوری که هر نیروی سیاسی به برنامه خودش اعتقاد دارد، به ساختارهای خودش اعتقاد دارد، در حقیقت شورا هم همین اعتقاد را دارد. در حقیقت همه نیروها با دیدگاههای خودشان و با

گزارش از گردهمایی فلورانس

«مارکسیسم و فردایمان»: «تروریسم یا برچسب» به بیان نظرات و مواضع سازمان پرداخت. در کنفرانس مارکسیسم و فردایمان رفیق مهرداد پیرامون شرایط کنونی جهان و موقعیت نیروهای چپ و برخورد آنها با جنبش، نظرات سازمان را به طور مشروح بیان کرد و گفت: امروز انتخاب بین بربریت سرمایه و سیستم پولی مالی حاکم و سوسیالیسم است و انتخاب ما به طور مشخص سوسیالیسم است و در راه آن

از روز ۶ تا ۱۰ نوامبر امسال اجلاس اجتماعی اروپا در شهر فلورانس ایتالیا برگزار شد. این گردهمایی که به شدت مورد انتقاد دولت ایتالیا و نیروهای دست راستی به خصوص حزب اتحاد ملی «حزب فاشیست حاکم در ائتلاف دولت برلوسکونی» قرار گرفته بود و امکان لغو آن می‌رفت، با موفقیت برگزار و به کار خود پایان داد.

فدایی خلق قرار گرفت. و بررسی آن به اجلاس جهانی محول شد. به طور خلاصه پیشنهاد این بود که: با توجه به رشد جنبش جهانی این جنبش به یک رهبری سیاسی سازماندهی شده نیاز دارد و این کمبود را با تشکیل دبیرخانه جهانی جنبش می‌توان برطرف کرد. نظر سازمان در این مورد این طور بیان شد: دقیقاً با توجه به رشد جنبش و مشخصات این جنبش به نظر ما ایجاد هر گونه سازماندهی و ایجاد مکانیکی ارگانها، رهبری جنبش را به شکست و یا باعث خروج بخش عظیمی از گروهها و جنبشهای مردمی اجتماعی از آن می‌شود.

گردهمایی فلورانس با تظاهراتی عظیم که نزدیک به یک میلیون نفر از سراسر جهان در آن شرکت کردند پایان پذیرفت. در خاتمه تظاهرات کنسرت پر شوری از طرف اجلاس اروپا برگزار شد که در آن گروه مشهور Modena city ramblers شرکت کردند.

در این جا یادآوری می‌شود که موزیسینهای کنسرت پایانی تظاهرات، این کنسرت را به یاد زندانیان سیاسی ایران که از آنها تحت عنوان «فراموش

قضای برای ایجاد امکانات حقوقی دفاعی برای سازمانها و نیروهای آزادیبخش است که البته باید از طرف نیروهای دموکراتیک و جنبشهای اجتماعی و اجلاس اجتماعی اروپا به پلاتفرمی حقوقی تبدیل شده و به نهادهای بین‌المللی عرضه شود. در پایان در پاسخ به نماینده سازمان وکیل فابیومارچلی گفت: این طرحی است که باید این اجلاس به آن بپردازد. چرا که دقیقاً ما در دادگاههای اسرائیل خط دفاعی خود را بر این اصل که برقوطلی و دیگر مبارزان فلسطینی زندانی سیاسی نبوده و بلکه اسیران جنگی می‌باشند بنا کرده‌ایم و رفقای ایرانی ما بدانند که در هر کجا به دفاع حقوقی قضایی نیاز داشته باشند می‌توانند به ما تکیه کنند. اولین قدم ما نیز پیوستن به بیانیه‌ی شخصیتها و نیروهای سیاسی این گردهمایی بزرگ در مورد شرایط ایران خواهد بود.

مرکز ثقل گردهمایی فلورانس شرایط جنگ احتمالی آمریکا علیه عراق و آینده جنبش جهانی بود. در مورد جنگ آمریکا علیه عراق و مقابله با آن تصمیم به انزوی سیاسی کشاندن آمریکا شد و برای این جنبش و



حاضر به همکاری با تمام نیروهای مترقی و انسان دوست جهان می‌باشیم. در کنفرانس «تروریسم یا برچسب» که با حضور هیأتی از وکلای دموکراتیک اروپا، وکلای دموکراتیک ایتالیا و وکلای اجلاس اجتماعی برگزار شد و سرپرستی آن به عهده فابیومارچلی وکیل مروان برقوطلی مبارز فلسطینی بود، نماینده سازمان بر این اصل که نمی‌توان نیروهای آزادیبخش و مقاومت‌های عادلانه در اقصا نقاط جهان را و به طور مشخص در شرایط ایران را تروریست نامید تاکید کرد. در بخش دیگری نماینده سازمان توجه شرکت کنندگان را به فقدان تعریفی یگانه از تروریسم از طرف اتحادیه اروپا جلب کرده و گفت: این خود نشانه روزنه‌ای

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران نیز در راستای منشور و پلاتفرم سیاست خارجی خود هم چون گذشته در این گردهمایی بزرگ شرکت کرد. حضور سازمان به عنوان تنها سازمان سیاسی ایران در این گردهمایی به صورت خاص جلب توجه می‌کرد. فعالان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران با برگزاری میز کتاب و تکثیر مدارک سازمان و شرکت فعالانه در بحثها و کنفرانسها نظر شرکت کنندگان را به شرایط سیاسی اجتماعی ایران و مقاومت عادلانه‌ی مردممان جلب کردند. رفیق مهرداد قادری به نمایندگی از طرف سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران با شرکت در دو کنفرانس مهم تحت عناوین:



شگان» یاد کردند هدیه کرده و شرایط سیاسی ایران و اعدام شدگان ماههای اخیر را یاد آور شدند.

فعالان سازمان طی حضور خود با سازمانها و احزاب مختلف جهان دیدار و گفتگو کردند که در گزارشات جداگانه به اطلاع هموطنان خواهد رسید.

سازمانهای سیاسی اروپایی آن پیشنهاد اعتصاب عمومی در اروپا را دادند که در خاتمه این گردهمایی به اتفاق آرا تصویب شد.

در مورد آینده‌ی جنبش پیشنهاداتی از طرف اجلاس آسیا، اجلاس حیدر آباد هند و برخی سازمانهای سیاسی کانادا به جلسه‌ی پایانی که فقط متشکل از نمایندگان سازمانها و جنبشهای مردمی بود داده شد که با مخالفت حزب سوسیالیست کارگری انگلستان،



جنبش اجتماعی، برزیل، فراکسیون چپ احیای کمونیستی ایتالیا، اجلاس اروپای شرقی و سازمان چریک‌های



فلورانس - ایران

قطعنامه احزاب، سازمانها، انجمنها و شخصیت‌های سیاسی حاضر در
مجمع اجتماعی اروپا در فلورانس در مورد شرایط ایران

اسامی امضا، کنندگان قطعنامه

- 1- Patriot della Infondazion Comunista (PRC)Gennaro Migliorc (ITALIA)
حزب احیای کمونیستی (ایتالیا)
- 2- Movimeto Teresa Rodriguez (ARGENTINA) جنبش پیکوتروس (آرژانتین)
- 3- Askapena Euskadi (ESPAGNA) جنبش مردم باسک (اسپانیا)
- 4- Livio Maitain (PRC) ITALIA لیو مایتاین (عضو هیئت رهبری احیای کمونیستی)
- 5- Gigi Malabarba (PRC) ITALIA جی جی مالاباربا (رئیس فراکسیون سنا از احیای کمونیستی)
- 6- Marco Ferrando (PRC) ITALIA مارکو فراندو (عضو هیئت رهبری احیای کمونیستی)
- 7- Abentzale Sozialista Euska Herria
هرمی باتوسونا (مسئول امور خارجی و نماینده مجلس Jozeba Alvarez Forcada (Batasuna)SPAGNA اسپانیا)
- 8- COBAS
جاکومو موندووی (مسئول اروپایی سندیکای مستقل چپ) ایتالیا (Giangiacomo Mondavi (ITALIA)
- 9- Comitato Carlo Giuliani کمیته کارلو جولیانو
- 10- Francesco Maselli (ITALIA)
فرانچسکو مازلی (رئیس انجمن بین المللی صدا و سیما)
- 11- David Riondino (ITALIA) هنر پیشه مشهور ایتالیایی
- 12- IMODENA CITY RAMBELERS (ITALIA) گروه موزیک مشهور ایتالیایی
- 13- VERDI (ITALIA)
آلفردو کریستولو (مسئول بخش جنبش های سبزه های ایتالیا) Alfredo Cristolo
- 14- Giuristi Democratici (ITALIA)
فابیو مارچلی (از حقوقدانان دموکراتیک) Fabio marcelli
- 15- Un Punte Per (ITALIA)
فابیو آلبرتی (انجمن پلی برای) Fabio Alberti
- 16- Anti Nazi League
لیگ ضد نازیسم (انگلستان) D. Jack
- 17- LCR (FRANCE)
الیو فرانسوا (عضو هیئت رهبری کمونیستهای انقلابی) فرانسه Francois Olivier
- 18-ARCI (ITALIA)
توم بنتولو (مسئول انجمن آرچی) Tom Bentolo
- 19- Fulvio Grimaldi (ITALIA)
فولویو گرمالدی (ژورنالیست از کانال ۳ تلویزیون ایتالیا) Giornalista
- 20- Associazion Azad (ITALIA)
دینو فریزولو (انجمن آزاد) Dino Frisullo
- 21- ATTAC (FARNCE)
آریک لینیوی (اتک فرانسه) Eric Linvoy
- 22- Giuliano Giuliani
جولیانو جولیانو (پدر کارلو جولیانو) Pader die Carlo (ITALIA)
- 23- Bandiera Roza (ITALIA)
گروه سیاسی چپ (ایتالیا)
- 24- Social Forum Lobjana
انجمن اجتماعی لوبیانا
- 25- FIOM – CGIL
سندیکای فلز کاران ایتالیا
- 26- Social
سوسیال فرم
- 27- Organization of iranian people's fedayee guerrilas
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

ما شرکت کنندگان در مجمع اروپایی در فلورانس با توجه به شرایط سیاسی اجتماعی ایران و باتوجه به برخورد سیاسی و مواضع تک تک کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا در قبال دولت جمهوری اسلامی ایران موارد زیر را اعلام می کنیم.

۱- تروریست نامیدن سازمانها و مقاومت ایران را به طور قطع مردود می دانیم. این لقب از طرف ایالات متحده آمریکا به کار گرفته شده است، ما استفاده سیستماتیک ایالات متحده آمریکا از جنگ علیه تمامی خلقهای جهان و به طور مشخص در این مقطع علیه مردم عراق را محکوم می کنیم. ما استفاده فرصت طلبانه جمهوری اسلامی از این شرایط را نیز محکوم می کنیم.

۲- نگرانی خود را در مقابل شرایط اجتماعی سیاسی ایران که در ماههای اخیر شاهد افزایش سرسام آور اعدامها، تیربارانها، سنگسارها می باشد را اعلام می کنیم.

۳- سیاست استمالت اتحادیه اروپا در قبال خاتمی، که نه به حقوق بشر، نه به دموکراسی توجهی دارد و فقط به امید خام دوران به اصطلاح دموکراتها و پشتیبانی از گشایش خاتمیسم در ایران است را محکوم می کنیم.

۴- کمبود قوانین برای دفاع از حقوق کارگران و فقدان حق اعتصاب و خودگردانی کارگران در سندیکاهای مستقل و رایج بودن کار خردسالان در ایران را محکوم می کنیم.

۵- پایمالی حقوق زنان را که در سالهای اخیر با وضع قوانین مشخص نقض می شود (حق طلاق، ارث، آزادی تحرک و مسافرت) را محکوم می کنیم.

۶- ما خواهان تشکیل کمیسیونی بین المللی متشکل از نمایندگان (انجمنها و جنبشهای حقوق بشر، نمایندگان مقاومت ایران، و وکلای مجمع اجتماعی اروپا و عفو بین الملل برای بازدید از زندانهای ایران و بررسی شرایط زندانیان می باشیم. ۷- ما سازمانهایی که علیه رژیم مذهبی ایران مبارزه می کنند را بخشی لاینحل از جنبش جهانی علیه جهانی سازی و نئولیبرالیسم دانسته و خود را موظف به پشتیبانی از آنها در این مبارزه می دانیم.

زنان در مسیر رهایی

— لیلا جدیدی

زنان پاکستانی در آتش خشم همسران خود

۲۷ اکتبر، ۵ آبان، Feminist.com - بنا به گزارش مدافعان حقوق بشر پاکستانی، در ۸ سال گذشته بیش از ۴۰۰۰ زن توسط یکی از اعضای خانواده شوهر یا همسر خود به آتش کشیده شده اند که کمتر از ۴ درصد آنان زنده مانده اند. دلیل این عمل وحشیانه عدم زایمان نوزاد پسر، تمایل مردان به ازدواج مجدد بدون قبول مسئولیت نسبت به همسر اول و اختلاف با مادر زن بوده است. این زنان معمولاً بین سنین ۱۸ تا ۳۵ ساله قرار داشته و ۳۰ درصد در هنگام مرگ باردار بوده اند. بنا به تخمین همین منبع، روزانه ۳ زن از این طریق جان خود را از دست می دهند. شوهران این زنان با پرداخت رشوه به پلیس این حادثه را خودکشی جلوه می دهند.

مرگ در اثر زایمان

۳۱ اکتبر، ۹ آبان، رویتر - براساس گزارش سازمان ملل، روزانه ۵۰ زن افغانی در اثر عوارض بارداری جان خود را از دست می دهند. اکثر این مرگها قابل پیشگیری و درمان هستند. در این گزارش آمده است که در هر صد هزار زن باردار، بیماری به مرگ یک هزار و هفصد نفر ختم می شود. دلیل این وقایع مرگبار، گذشته از فقدان دسترسی به امکانات پزشکی، مسائل فرهنگی و اقتصادی نیز می باشد.

شکست زنان بحرینی در انتخابات

۱ نوامبر، ۱۰ آبان، رویتر - زنان بحرینی که برای اولین بار اجازه شرکت در انتخابات را یافته بودند نتوانستند در پارلمان این کشور کرسی به دست بیاورند. در دوره اول این انتخابات ۶ زن کاندیدا پس از این که مسلمانان میانه رو ۱۹ کرسی را به دست آوردند از دور خارج شدند. در دور دوم، ۲ زن باقیمانده کاندید نیز از رقابتها کنار زده شدند. این انتخابات توسط مسلمانان شیعه که مایل به تغییرات در سیستم نیستند تحریم شده بود اما مردم به آن توجهی نشان ندادند.

عدم تساوی دیه زن و مرد از محکمت دین است

۲ نوامبر، ۱۱ آبان، سایت زنان ایران - رئیس قوه قضاییه در دیدار با نمایندگان استان آذربایجان غربی اعلام کرد که برابری دیه زن و مرد امکان ندارد، او گفت: عدم تساوی دیه زن و مرد از محکمت دین است که شیعه و سنی بر روی آن توافق دارند. در این باب نمی توان قوانین را تغییر داد. وی افزوده است:

این که بعضی از آقایان فتوا بر تساوی دیه داده اند معلوم نست بر چه اساسی بوده است. یک عضو خبرگان رهبری نیز در این باره گفته است: تفاوت دیه زن با مرد ناشی از آن است که مردان موظف به تامین هزینه و امکانات زندگی، عائله و اولاد هستند، بنابراین وقتی که مرد آسیب ببیند خانواده او دچار مشکل می شوند که در این صورت پیش بینی شده تا با دیه مرد، آسیب سرپرست خانواده جبران شود و حتی نفقه زن و هزینه های اولاد تامین شود. این پائین آوردن مقام زن نیست.

واضح است که این "رهبران دینی" این که بسیاری از زنان ایرانی نان آور اصلی خانواده هستند را به حساب نمی آورند زیرا منافع مدافعانشان را که مردان پولدار تشکیل می دهند برآورده نمی کند.

افزایش درصد زنان در مجلس آمریکا

۱۶ نوامبر، ۱۵ آبان، رویتر - از ۱۶۵ زن که برای نمایندگی در مجلس نمایندگان آمریکا تلاش می کردند، ۵۶ نفر به موفقیت رسیدند. این تعداد، میزان حضور زنان در مجلس را به ۳۷ درصد رساند. ۶۰ زنی که در حال حاضر وجود دارند ۴۲ نفر از حزب دمکرات و ۱۸ نفر از جمهوریخواهان هستند.

افتتاح نخستین بانک کاملاً زنانه!

۷ نوامبر، ۱۶ آبان، روزنامه سیاست روز می نویسد: برای نخستین بار در تاریخ بانکداری کشور، بانک ملی ایران اقدام به راه اندازی گیشه مخصوص به بانوان با امکانات کامل یک واحد بانکی کرد. به گزارش روابط عمومی بانک ملی ایران، این گیشه در یک طبقه از شعبه خیابان سعدی این بانک در زنجان قرار دارد و کارکنان آن از خواهران بوده و صرفاً به ارائه کلیه خدمات بانکی به بانوان می پردازند.

آزادی زنان افغانی از زندان

۱۰ نوامبر، ۱۹ آبان - اسوشیتد پرس. طی یک فرمان عفو از طرف حمید کرزائی، ۲۱ زن زندانی آزاد شدند. رئیس جمهور افغانستان این تصمیم را به مناسبت شروع ماه رمضان گرفت. اکثر این زنان متهم به قتل، زنا و یا ازدواج بدون اجازه پدر بوده اند. زنان دیگری که در زندان باقی ماندند با گریه و التماس خواستار آزادی خود شدند که با حشونت نگهبانان روبرو گشتند.

دستگیری یک زن در فرودگاه

۱۰ نوامبر، ۱۹ آبان، ایران و جهان - براساس گزارش روزنامه‌ی جام جم، یک زن جوان که به ادعای این روزنامه وابسته به جناح محافظه‌کار، با پوشش زننده قصد خروج از کشور را داشت در فرودگاه دستگیر و روانه زندان شد. قاضی

طباطبائی به خبرنگار جام جم گفته است: ضابطان قوه قضائیه، از سفر خانم‌هائی که حجاب را رعایت نمی‌کنند جلوگیری خواهند کرد و حداقل مسأله‌ای که برای این قبیل افراد به وجود خواهد آمد، بازماندن از سفر به خارج از کشور است

این زنان سیاه پوش

۱۲ نوامبر، ۲۱ آبان، اعتماد - اصفهان: چند روزی است که زنان و دختران ناشناس و سیاهپوشی که حتی دست‌ها و چهره‌های خود را پوشانده‌اند، در خیابانها، پارکها و اماکن تاریخی ظاهر می‌شوند و در مورد طرز لباس و رفتار مردم، گاهی به برخوردهای لفظی و یا درگیری با زنان و دختران رهگذر می‌پردازند. به گفته شاهدان حتی نسبت به جهانگردانی که از کشورهای مختلف برای دیدن آثار باستانی به شهر اصفهان آمده‌اند، به تعرضاتی ناخوشایند اقدام می‌کنند. نهادها و سازمانهای مختلف درباره ظهور و فعالیت این گروه ناشناس اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند و رییس شورای شهر اصفهان نیز در جلسات رسمی خواستار تحقیق درباره این زنان سیاهپوش شده است.

۹۰ نفر از اعضای یک شبکه فریب دختران فراری در تهران دستگیر شدند

۱۳ نوامبر، ۲۲ آبان، اعتماد - ۵۰ نفر از اعضای یک باند ۹۰ نفری که اقدام به دایره کردن ۱۲ خانه فساد و مرکز فریب زنان و دختران در شهر تهران کرده بودند، دستگیر شدند. زنانی که در این مراکز فعالیت داشتند دختران فراری را فریب می‌دادند و به فحشا و فساد می‌کشاندند.

مدارس دخترانه زیر نظر تاکسیرانی

۱۴ نوامبر، ۲۳ آبان، روزنامه توسعه. هاشمی عرب، رئیس تاکسیرانی تهران در گفت و گو با توسعه با اعلام این خبر که به زودی با تشکیل معاونت امور بانوان در سازمان تاکسیرانی تهران، امور مربوط به بانوان در این سازمان ساماندهی می شود. گفت: در آینده نزدیک در نظر داریم با تشکیل این معاونت تمامی امور مربوط به بانوان را با مدیریت یک خانم بررسی و برنامه ریزی کنیم. وی از تشکیل سرویس مدارس دخترانه زیر نظر تاکسیرانی در سال ۸۲ خبر داد و گفت: امیدواریم سال آینده برای سرویس مدارس دخترانه با فراهم شدن امکان خرید خودروهای جمعی "ون" با ظرفیت ۱۰ تا ۱۱ نفر نسبت به جا به جایی دانش آموزان دختر همراه با

ایمنی و اطمینان اقدام کنیم. وی در پایان در ارتباط با "تاکسی ویژه بانوان" همراه با راننده زن گفت: سرویس های ویژه بانوان طرحی است که نیاز به مطالعه بیشتر و کار کارشناسی دارد که هم اکنون موضوع آن در این سازمان در دست بررسی است

از جمله فیلمهای حرام

۱۵ نوامبر، ۲۴ آبان، ایرنا - حجت الاسلام غلامعلی نعیم آبادی نماینده ولی فقیه و امام جمعه بندرعباس، در خطابه‌ی نماز جمعه این شهرستان گفت: فیلمی که از حزب الله، حجاب و چادر یک چهره غیرمنطقی ترسیم می کند فیلم نیست و این گونه فیلمها ممنوع است. او با اشاره به فیلم "زندان زنان" افزود: چرا برای ساخت این فیلمها دقت و کنترل صورت نمی گیرد؟ وزارت ارشاد مگر خواب است؟ او در بخشی دیگر از سخنانش گفت که آمریکا از روحیه بیگانه ستیزی و جنگ ستیزی که در فرهنگ اسلامی وجود دارد می ترسد. وی گفت هر گونه ارتباطی که به نفع بیگانه و ضرر جهان اسلام باشد ممنوع است و آن قرارداد حرام و باطل می گردد.

گزارش دفتر بین المللی کار از

وضع زنان ایران

۱۵ نوامبر، ۲۴ آبان. بنا بر گزارش خبرنگار اقتصادی خبرگزاری دانشجویان ایران، دفتر بین المللی کار در یادداشت خود در باره قانون کار جمهوری اسلامی ایران و در بررسی مبحث چهارم این قانون که به شرایط کار زنان می پردازد، آورده است: کمیته کارشناسان، لزوم بررسی متناوب تمام اقدامات حمایتی از زنان را توسط شرکای اجتماعی تصریح می کند و این بررسی با توجه به ضابطه تساوی فرصت و پیشرفتهای علمی و فناورانه، با هدف تصمیم گیری درباره لزوم ادامه اقدامات مذکور، لغو آنها یا به کارگیری آنها در خصوص کارگران مرد انجام می‌گیرد. این دفتر ادامه می‌دهد: در خصوص این که آیا در مورد خطراتی که در محل کار، سلامتی و ایمنی زنان باردار یا مادران شیرده و کودکان آنها را مورد تهدید قرار می‌دهد، بررسیهای منظمی انجام می‌گیرد یا خیر، اطلاعاتی در دسترس دفتر نیست و لازم است که این سیستم از کارایی بیشتری برخوردار شود تا از رفاه و سلامتی زنان باردار و مادران شاغل و کودکان آنها اطمینان حاصل شود. این دفتر توصیه می‌کند: بهتر است در صورت شناخته شدن خطر خاصی که سلامت کارگران زن را مورد تهدید قرار می دهد، انجام اقدامهای ویژه‌ای، ضروری شود و رفع

وضعیت نامطلوب کودکان و نوجوانان در ایران

زینت میرهاشمی

گذشته برای شرکت در مراسمی با یک کامیون انتقال می یافتند، بر اثر شکسته شدن نرده های قسمت بار آن، به بیرون پرتاب شدند. در این حادثه یک کودک کشته و ۳۶ نفر دیگر مجروح شدند. اخباری از این دست که عده ای دانش آموز در فلان یا بهمان جا بر اثر سهل انگاری مسئولان! کشته شده اند، تازگی ندارد ولی نکته اصلی در این خبر، حمل و نقل کودکان با کامیون و همانند حیوانات است. راه حل‌های حکومت برای حل مشکلاتی که خود برای کودکان و نوجوانان به وجود آورده است، به

کاهش سطح درآمد و فقر، در ایران روندی صعودی پیدا کرده است. بر اساس آمارهای سازمان مدیریت و برنامه ریزی رژیم، ۱۰ میلیون نفر ایرانی، زیر خط فقر مطلق زندگی می کنند. آمارهای دولتی، تنها فقر آشکار را بیان می کنند و این درحالی است که فقر پنهان در درون جامعه، بیشتر از این ارقام را دربر می گیرد. در همین رابطه می توان به کودکان و نوجوانان اشاره کرد که آسیب پذیر ترین قشر جامعه در برابر کنشهای



همین ترتیب غیرانسانی و عقب مانده هستند. یک نمونه جدید، این واقعیت را بهتر به نمایش می گذارد. در نتیجه ابتلاء دختران دانش آموز به بیماریهای ناشی از حجاب اجباری و اعتراض خانواده‌ها به این مسئله، دولت طرحی را در بعضی جاها به نام «طرح مناسب سازی مدارس دخترانه» به اجرا گذاشته است. مدرسی که بر اساس این طرح ساخته می شوند، به یک زندان با دیوارهای بلند با زندانیان متحالشکل که لباسهای بلند و سفید به تن دارند، شباهت دارند. یکی از این طرحها که اخیرا در یکی از شهرستانها عملی شده، به شکل زیر توصیف شده است: «پنجره های کلاس درس با شیشه مشجر استار شده است؛ در حیاط مدرسه دانش آموزان با پیراهنهای مردانه سفید و شلوار مشکی و کفش معمولی مشغول ورزش کردن هستند؛ کادر آموزشی مدرسه اعم از مدیر، معاون، معلم، دفتردار، ناظم و مستخدم همه زن هستند. برای تمام کلاسها پرده گرفته ایم، حتا خانه ای که همجواری مدرسه بود را خریداری کردیم و فضای آموزشی برای بچه ها آماده شد.» (همبستگی ۸ آبان ۱۳۸۱)

۸ آبان

پیشنهاد توبه به آقای یزدی

منصور امان

نامه سرگشاده آقای ابراهیم یزدی، دبیرکل نهضت آزادی، خطاب به محمد رضا خاتمی و حبیب الله عسگر اولادی، نخستین بازتاب خود را در پاسخ دبیرکل جبهه مولفه اسلامی یافت. لحن تحقیرآمیزی که «تاجر محترم» در نوشته خود بکار برده، البته برای آقای یزدی و شرکاء نه تازگی دارد و نه بدان حد دافعه برانگیز است که وی را از دویدن بر لبه چاقوی جناحهای جمهوری اسلامی باز دارد. عسگر اولادی ابتدا تصریح می کند که «بنا به اعتقاد و التزام به قانون اساسی و نظریات امام خمینی»، برای جریان آقای یزدی «نه مشروعیت و نه رسمیت» قائل است و از این رو نامه خود را از حد یک مکاتبه «شخصی» فراتر نمی داند.

نامه او تنها یک تجربه آزموده شده برای دبیر کل نهضت آزادی به شمار می رود. اما همانگونه که تجارب پیشین، او و سلفش را از تلاش برای بازکردن مکانی در دامن ساختارسیاسی جمهوری اسلامی باز نداشته اند، این بار نیز به نظر نمی رسد که شانه سرد آقای عسگر اولادی، موجبی برای بیزاری یزدی و جریانش گردد. نامه مزبور، برخوردار همیشگی و روال شده جمهوری اسلامی «نهضت آزادی» را به نمایش می گذارد و تنها از این زاویه نیز قابل تأمل است.

نگرش ضد دموکراتیک و مستبدانه ای که چرخه سیاست «نظام» را به حرکت درمی آورد و در سخنان این پاپور برجسته آن متبلور شده است، نقطه ی عزیمت جمهوری اسلامی در ارزیابی و تنظیم رابطه آن با هر آنچه که «خودی» به نظر نمی رسد و یا در همه ی وجوه خود، معیارها و قالبهای دلخواه آن را پژواک نمی دهد، به شمار می رود.

عسگر اولادی در باره التزام به جمهوری اسلامی، نظم سیاسی دست پرورده خود و یارانش را به مقام یک تابوی تقدس یافته فراز داده و ایمان داشتن بدان را شرط حیات سیاسی دیگران می داند. اینکه سخن وی تا چه حد جدی ست را دهها هزار زندانی سیاسی و هزاران اعدامی و بدارآویخته شده ی دیگر می توانند گواهی دهند. دبیر کل «جبهه مولفه اسلامی»، با یک سفسطه آخوندی به نتایج شگفت انگیزی می رسد و حتی التزام به قانون اساسی را بدون پیش شرط اعتقاد بدان، باطل می داند!

برای بسیاری در جامعه کنونی ایران، تکلیف این دست نظرات و صاحبانشان روشن است. دایره انتخاب آقای یزدی نیز درعین دوگانگی چندان گسترده نیست. پیشنهاد عسگر اولادی روشن است: شرط به بازی گرفته شدن، زدودن همین ناهمگونی نظری ست. التزام و اظهار وفاداری، یعنی جوهره سیاست «نهضت آزادی» در خلال سالهای به کنار نهاده شدن، کافی نیست. در چارچوب نگرش بسته «نظام»، «گفتگوی سازنده» آقای یزدی، نتیجه ای جز پیشنهاد توبه و تسلیم ندارد. گمان نمی رود که وزیرپیشین وزرات امور خارجه، از این حقیقت بی اطلاع بوده باشد.

۲۴ آبان

گم شدن رهبر در سوراخ
دادگاه تجدید نظر

لیلا جدیدی روزنامه جمهوری اسلامی از قول مراجعی موثق اعلام کرد که خامنه ای در پاسخ به نامه صدها تن از اساتید دانشگاه در اعتراض به حکم آعاجری، به دادگاه تجدید نظر ماموریت بررسی دقیق پرونده او را داده است. آنچه مسلم است دستگاه قضائی هرگز چنین حکمی را سرخود و بدون فرمان اربابش خامنه ای صادر نمی کند. خامنه ای که به نظر می آید قصد دارد شتابان کار جناح رقیب را تا فرا رسیدن حمله آمریکا به عراق یکسره کند، خطاب به قوه سه گانه گفته است که اگر وظایف خود را انجام ندهند به مردم رو خواهد آورد و بدین وسیله «مردم» را که اسم مستعار سپاه و بسیج است باز هم لولوی سر خرم می کند تا بدین وسیله از شر بقیه راحت شود. اما دانشجویان در شعارهایی که چند روز اخیر در تظاهرات خود فریاد کرده اند و از جمله «رهبر برو گمشو»، پاسخ خامنه ای را به خوبی داده اند.

خامنه ای که تصور می کرد جنبش دانشجویی را یکسره سرکوب کرده در مقابل این موج عظیم اعتراضات که ریشه هائی عمیق تری از محکومیت یا عدم محکومیت آعاجری دارد، اقدام به عقب نشینی می کند. جناح «اصلاح طلب» نیز که قبلا دست او را خوانده بود، خواهان لغو این حکم و نه عفو آعاجری شده بود.

دانشجویان معترض وعاصی و مردم ایران می دانند که این رژیم ۲۴ سال است که انسان ها را به خاطر بیان اعتقادات سیاسی، مذهبی و یا ایدئولوژیک به بند کشیده و به جوخه های اعدام بسته است، جمهوری اسلامی حتی از صدور حکم اعدام برای معترضین به این جنایات نیز ابا نداشته است. مردم ما در این سالها حتی برای دریافت جسد فرزندان خود باید بهای هر گلوله را به رژیم پرداخت می کردند. این رژیم از اعدام فدائی شهید سعید سلطانپور کشتار معلمین را آغاز نموده و افرادی همچون آعاجری از این جنایات دفاع کرده اند. اما اکنون برای حق حیات او هم به عنوان دفاع از یک پرنسیب که حق بیان عقیده است دفاع می شود. رژیم ولایت فقیه که مشغول خریدن وقت بیشتر برای خودش است باید بداند که تا آزاد شدن همه زندانیان سیاسی و رسیدگی و محاکمه همه افرادی که در اعدامهای سیاسی دست داشته اند این اعتراضات پایان نخواهد یافت.

۲۶ آبان

نگاهی به گزارش سازمان بین المللی کار

م- حبیبی

برخی از نکات این گزارش به این شرح است:

فقدان آزادی تشکلهای کارگری- هیات مشاوره‌ی سازمان بین المللی کار اعلام می‌دارد که براساس بحثهایی که با شرکای اجتماعی در ایران به عمل آمده، برای تیم سازمان بین المللی کار محرز شده است که در نقشه‌های نهادهای مختلف نمایندگی‌های کارگری در سطح واحد کار، هم چنان که هم اکنون در ایران اعمال می‌شود، مداخلات و مشترکات بسیار گسترده‌ای وجود دارد. در این گزارش با این توضیح که انجمنها در ظاهر امر همانند شوراهای اسلامی کار به محض این که به ثبت می‌رسند، نمایندگی تمامی کارگران مربوطه را داشته و در روشی مشابه با روش شوراهای اسلامی، با کارفرما به بحث و گفتگو می‌پردازند، تصریح شده است که، «هیچ کس نمونه‌ای از یک توافق واقعی دسته جمعی در محیط کار و یا در سطح آن بخش، ارائه نمی‌دهد». و در عین حال تنها توافقی که گفته می‌شود، تاکنون به عنوان توافق ملی به امضاء رسیده است، توافق حاصل میان شوراهای اسلامی کار و کانون عالی انجمن‌های صنفی کار فرمایی ایران در خصوص شرایط اشتغال به کار کارگران شاغل در واحدهای زیر پنج نفر بوده است. توافق یاد شده در واقع اشاره‌ای به نمایندگی جمعی و کلی کارگران در این واحدهای کوچک که خارج از شمول قانون کار هستند، نمی‌کند.

این گزارش ادامه می‌دهد که برای همه طرفهای ذیربط در روابط کار، مشخص است که قوانین و مقررات مربوط به تشکلهای و انجمنهای صنفی، به آنها آزادی بیشتری در انتخاب نمایندگان خود و فعالیت روزمرشان می‌دهد. «ولی وضعیت جاری در سطح واحد کار، ناقض مفهوم واقعی آزادی انجمن‌ها مندرج در مقاله نامه شماره ۸۷ برای تشکلهای کارگری است».

براساس این گزارش، تمام شرکای اجتماعی، برای خواسته بودند که نهاد کارگزار کارگری به صورت مستقل و آزاد از مداخله نهادهای دولتی تشکیل و فعالیت کند و از مدیریت واحد نیز مستقل باشد. هیات مشاوره‌ی سازمان بین المللی کار، ساده ترین و مستقیم ترین اقدام برای ارتقاء یک نهضت آزاد و مستقل انجمن و تشکل صنفی در ایران را «اصلاح ماده ۱۳۱ قانون کار و تبصره چهار آن می‌داند» تا اطمینان حاصل شود که هیچ انحصار طلبی در نمایندگی اشکال مختلف تشکلهای کارگری وجود ندارد و با تمرکز و دقت نظر در نقشهای متعددی

ارگانهایی برای کنترل اوضاع تشکیل شد.

طرفه روزگار این که بعد از قیام ضد سلطنتی در سال ۵۷، تاریخ دوباره در ارتباط با «خانه کارگر» تکرار شد. ساختمان «سازمان کارگران ایران» تصرف شده و مجدداً نام «خانه کارگر» را به خود اختصاص می‌دهد، بعد از تاسیس حزب جمهوری اسلامی، کمیته‌ای متشکل از سه نفر به اسامی علی رضا محبوب عضو دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی و دبیرکل فلی «خانه کارگر»، علی ربیعی دبیر اجرایی شورای امنیت ملی و مشاور امنیتی خاتمی و صاحب امتیاز روزنامه کارو کارگر و حسین کمالی وزیر کار سابق کنترل اوضاع در «خانه کارگر» را به عهده گرفتند. تشکیل این ارگان در زمانی صورت گرفت که فضای نسبتاً باز سیاسی بر جامعه حاکم بود و رژیم آخوندی بر این که حضور سیاسی خود را در جامعه کارگری تکمیل کند، اقدام به تشکیل نهادهایی برای مقابله با تشکلهای کارگری آن زمان نموده بود. در همین راستا، در سال ۱۳۵۸ وزارت کار، اصول تشکیل شوراهای کارکنان را تدوین کرد و حزب جمهوری اسلامی نیز انجمنها و شوراهای اسلامی مورد نظر خود را تاسیس کرد. در سال ۱۳۶۹ با تصویب آیین نامه چگونگی تشکیل، حدود وظایف، اختیارات و چگونگی عملکرد انجمنهای اسلامی کارگری، اهرمهای قانونی نیر بکار گرفته شد. خانه کارگر در این رابطه حتی ارگان رسمی مطبوعاتی خود(روزنامه کارو کارگر) را نیز پیدا کرد و در مجموع تمامی شرایط برای تسلط کامل حاکمیت آخوندی بر فعالیتهای کارگری فراهم شده بود.

البته تا آنجایی که به واقعتهای موجود در عرصه جامعه کارگری ایران برمی‌گردد، مسأله فقط به حذف مفهوم «فقط و یا» ختم نمی‌گردد، بلکه آنچه که در حال حاضر در تشکلهای کارگری جاری است، معنی واقعی انحصار طلبی ناب را ترجمه می‌کند. جامعه کارگری ایران چه در رژیم گذشته و با شدت بیشتری تحت حاکمیت کنونی، همواره مورد شدیدترین فشارها از جانب هیات حاکمه قرار داشته است، این رژیم‌ها تا آن جایی که امکان آن وجود داشته سعی کرده اند در مرحله اول هر گونه حرکت مخالف و حتی صنفی را با سرکوب عریان جواب دهند و اگر این روش کارایی لازم را نداشت با ایجاد ارگانها و نهادهایی، برای کنترل اوضاع و کانالیزه کردن این مقاومتها در چارچوب ارگانهای فرمایشی کنترل اوضاع را در دست داشته باشند. خانه کارگر از جمله این نهادهاست که در هردو رژیم شاه و شیخ به عنوان ابزاری مناسب برای کنترل کارگران به کار گرفته شده است. خانه کارگر در اواخر سالهای دهه چهل در زمان حکومت رژیم شاه تاسیس شد. چندی بعد در سال ۱۳۵۳ با تاسیس حزب رستاخیز، پوشش سیاسی لازم نیز برای این ارگان تدارکات دیده شد که عنوان «سازمان کارگران ایران» را با خود یدک می‌کشد. البته تاسیس چنین ارگانی، پاسخ به یک نیاز جدی در عرصه حضور سیاسی در اجتماعات کارگری برای رژیم شاه محسوب می‌شد. چرا که دو نیروی عمده مخالف آن زمان « فدایی و مجاهد » نقش به سزایی در سمت دهی افکار سیاسی جامعه کارگری و تدارک آنها داشتند، لذا جهت مقابله با این شرایط

ارگانهای مختلف بین المللی از جمله سازمان بین المللی کار و شرکت فعال و تاثیر گذار در اکثر اجلاس‌های نهادهای ذیربط زمینه مساعد چنین بقیه در صفحه ۱۴

وقتی کنفرانس سالانه سازمان بین المللی کار در مقر این سازمان در ژنو جهت رسیدگی به مسائل جامعه کارگری در سال ۲۰۰۲ برگزار شده بود، هیات اعزامی رژیم به این کنفرانس، در قبال گزارش سازمان بین المللی کار، مبنی بر عدم رعایت مفاد مقاله‌های بین المللی کار، از جانب دولت ایران شدیداً تحت فشار قرار گرفت. نخستین واکنش هیات اعزامی رژیم این بود که اطلاعات گزارش مزبور شده و فاقد مستندات واقعی است و اگر این سازمان بخواهد گزارش درستی از وضعیت جامعه کارگری در ایران در دست داشته باشد بهتر است که هیاتی را به ایران اعزام کند تا خود در جریان واقعیات امور کارگری در ایران قرار بگیرد. البته در حاشیه این کنفرانس، بعضی از مسئولان هیات اعزامی رژیم می‌پذیرفتند که تخلفاتی از قوانین و مقاله‌های بین المللی کار در ایران صورت گرفته است ولی این مسأله فقط ناشی از عدم اطلاع و آشنایی نهادهای ذیربط در ایران است. آنها اضافه می‌کردند که اگر سازمان کار بخواهد می‌تواند در این خصوص مشاوره بدهد و دولت ایران آن را خواهد پذیرفت. حاصل این کنش و واکنش در کنفرانس سالانه سازمان بین المللی کار در ژنو، این شد که هیاتی از جانب این سازمان به ایران اعزام شود. این امر در تاریخ ۲۷ سپتامبر الی سوم اکتبر صورت پذیرفت. حاصل بازدید هفت روزه هیات مشاوره‌ی سازمان بین المللی کار، گزارشی است که در مطبوعات رژیم به صورت بسیار کم رنگ منعکس شد، و حتی به نکات اصلی گزارش نیز پرداخته نشد و فقط متن این گزارش البته کمی مشروح تر و نه به طور کامل، در خبرگزاری ایسنا انتشار یافت که واکنشهای مخالفی را از جانب خانه کارگر که عمده ترین تشکل کارگری!! در ایران تحت حاکمیت آخوندی به شمار می‌رود و تماماً تحت نظارت هیات حاکمه فعالیت می‌کند، را در پی داشت. البته وزارت کار نیز چندان بی تفاوت از کنار این گزارش نگذشت. محورهای عمده گزارش سازمان بین المللی کار در چهار مؤلفه خلاصه می‌شود. این چهار محور عبارتند از:

فقدان آزادی تشکلهای کارگری

نحوه اجرای قراردادهای کار و امنیت شغلی کارگران

نحوه و چگونگی پرداخت حقوق و مزایا کارگران

وجود زمینه‌های مناسب برای اعمال تبعیضات مذهبی و جنسی در واحدهای کار

رژیم ولایت فقیه و توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول

ب. سارا ریشه‌های بحران مالی، رکود و وضعیت وخیم صنایع، افت شدید تولید در کنار بیکاری، تورم و تشدید فقر و محرومیت در کشور ما ایران، محصول برنامه هائی است که از طرف صندوق بین الملل پول IMF^۱ و بانک جهانی در زمان رفسنجانی به رژیم دیکته و زیر نام "تعدیل اقتصادی" به اجرا گذاشته شد و ضربات مهلکی به اقتصاد ویران شده مملکت ما وارد کرد. از آن جا که دولت خاتمی به دلیل بحران ساختاری سیاسی ناتوان از حل معضل بیکاری و وضعیت بیمار کشور است، سیاست دوران رفسنجانی را دنبال کرده که ثمره اش چیزی جز از بین رفتن بنیه تولیدی و ورشکست شدن بسیاری صنایع کشور نیست. (دبیر کل خانه ضد کارگر رژیم ابراز می کند که ۸۰۰ کارخانه بزرگ کشور با بحران مواجهند. کیهان ۱۹ آبان).

به موازات وضعیت وخیم اقتصادی در عرصه تولید و بیکار شدن کارگران و مزدبگیران که انبوه نعمات مادی و معنوی حاصل کار طاقت فرسای آنان است و به دنبال وضع قوانینی که قراردادهای استخدامی را ضعیفتر می کند، امنیت شغلی این طبقه از جامعه روز به روز کاهش پیدا کرده، فقر، فحشا، اعتیاد، خودکشی و طلاق نیز تشدید می یابد. در همین رابطه یکی از کارگران کارخانه چیت سازی تهران در شهریور ماه امسال، دست به خودکشی زد که به گفته دوستانش قبل از مرگ بیشتر از ۷۰ تومان در جیب نداشت (کار و کارگر، ۶ شهریور).

علی رغم وضعیت بحرانی اقتصاد کشور و معضل لاینحل فقر و بیکاری برای رژیم ورشکسته که آسیبهای اجتماعی اسفباری را برای بخش وسیعی از مردم زحمتکش میهنمان در طی بیشتر از دو دهه حکومت انگلی ترین بخش جامعه بر مردم به همراه داشته است و با وجود هشدارهای متعدد از سوی مسئولان ریز و درشت رژیم در این رابطه، طهماسب مظاهری، وزیر اقتصاد و دارائی رژیم مجددا در اجلاس مشترک بانک جهانی و صندوق بین الملل پول شرکت کرد و با اتکا به سخنان رئیس بانک جهانی "جیمز ولفسون" که گفته است هر فقیری در هر گوشه از دنیا باشد بر همه جا تاثیر خواهد گذاشت تاکید کرد که این دو سازمان در تصمیمات خود تنها به ارزیابی اقتصادی توجه کرده و بر این اساس برنامه های خود را تنظیم می کنند... (چهارشنبه ۱۰ مهر، حیات نو).

از آنجا که قانون اصلی حرکت سرمایه گرایش به تمرکز و تراکم دارد در جهان

امروز با وجود پیشرفت روزافزون علم و تکنیک، میلیاردها انسان در آسیا و آفریقا از حداقل امکانات زندگی محرومند و البته وضعیت ناهنجار اقتصادی این کشورها بر خلاف گزافه گوئیهای مظاهری "که طبل پشت دهل رئیس بانک جهانی شده" با تبعیت دولتهای آنها از بانک جهانی و صندوق بین الملل پول و قبول توصیه های این دو نهاد سرمایه داری نه تنها بهبود نیافته بلکه تشدید شده است و اکثر قریب به اتفاق ساکنان این کشورها را از هستی ساقط کرده و می کند. نظام سرمایه داری در سال ۱۹۴۴ صندوق بین الملل پول و بانک جهانی را در کنفرانس برتون وودز به رهبری انگلیس و آمریکا در جهت تامین نظم مالی بین المللی و تنظیم نرخ برابری پول کشورهای عضو این بانک از طریق کمکهای مالی به کشورهایی که برای حفظ ارزش پول خود کمک به نیاز داشتند ایجاد کرد، ولی در عمل این دو نهاد سرمایه داری تبدیل به ابزاری برای فلج کردن اقتصاد کشورها و ورشکستگی صنایع، موسسات و بانکها و وادار شدن کشورها به حراج آنها و تسلط کامل انحصارات آمریکائی و اروپائی بر شاهرگ اقتصادی آنها شد. بخش زیادی از بازار اقتصادی کشورهای جهان سوم که برای بالا بردن ارزش پول خود و وضع ناهنجار اقتصادی دست بسوی این دو نهاد دراز کرده دچار سقوط نرخ رشد اقتصادی شد و سرنوشت اقتصادی سیاسی این کشورها به طور کامل تحت نظر توصیه های این دو نهاد سرمایه داری و در دست انحصارات جهانی و شرکت های فراملی قرار گرفته و استقلال کشورها را به خطر انداخت. وضعیت بحرانی این کشورها می تواند تجربه گرانبهائی برای دیگر نقاط دنیا باشد اما از آنجا که سمتهای پهلوی دولت خاتمی و سیاستهای مسئولان آن از جمله مظاهری در جهت تامین منافع غارتگر جامعه و سرمایه داری انگلی است، این تجربه ها را نادیده می گیرند.

اضافه شدن ۳۲۰۰۰۰ نفر به جمع فقیران کشور مالزی فقط در سال ۱۹۹۸، زیر خط فقر رفتن صد میلیون از مردم اندونزی، حجم وامهای دولت آرژانتین که در تاریخ این کشور بی سابقه بوده، وضعیت بحرانی و فاجعه بار کشورهای آفریقائی همگی نتیجه عملکرد اقتصاد نئولیبرال و اجرای توصیه های صندوق بین الملل پول به این کشورهاست. بسیاری از کودکان این کشورها از حداقل بهداشت و تغذیه مناسب برخوردار نیستند چون میزان پرداخت بهره ی وامهای این کشورها چندین برابر کل هزینه های آنان برای بهداشت و آموزش کشور است و بیشترین بودجه کشور صرف پرداخت بهره وامهای دولت به بانکهای بین المللی می شود و دیگر توانی برای ایجاد امکانات ابتدائی باقی نمی ماند. این دو نهاد استعماری کشورهای وام گیرنده را وادار می کنند که ساختار اقتصادی خود را

۵ سال دیگر صادرات نفت ایران متوقف می شود

خبرگزاری ایرنا ۴ آبان ۱۳۸۱ - معاون تحقیقات فلزی موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران گفت: «در صورت ادامه روند فعلی مصرف انرژی در کشور، در سال ۱۳۸۶ (میلادی) میزان تولید نفت با میزان مصرف داخلی برابر شده و نفت از سال ۲۰۰۷ از اقلام صادراتی کشور حذف می شود.» محمدعلی اخوان در دومین همایش بهینه سازی مصرف سوخت در بخش صنایع لوازم خانگی افزود: بیش از ۸۰ درصد درآمدهای فعلی کشور در زمان حاضر از طریق فروش نفت تامین می شود. بنابراین قطع درآمدهای کشور از این طریق پیامدهای نگران کننده ای برای اقتصاد کشور در پی خواهد داشت.

نگاهی به گزارش سازمان بین‌المللی کار

بقیه از صفحه ۱۳
مداخله‌ی را فراهم کرده است. در گذشته محمل اصلی رژیم در ارتباط با گزارشات سازمان بین المللی کار این بود که منابع گزارشات از خارج تامین شده است، در صورتیکه این بار این هیات اعزامی سازمان بین المللی کار است که گزارش را از داخل ایران تهیه می کند و نتیجه گزارش نیز مستقیما روی میز مسئولین ذیربط رژیم قرار می گیرد. هر چندکه بعید به نظر می رسد که در چارچوب سیاسی کنونی حاکمیت، بتوان شاهد تغییر جدی در روابط کار بود، چرا که هر گونه اصلاحی در قوانین موجود به خصوص در نظام کار حاکم بر ایران، مستلزم اراده سیاسی و ظرفیتهایی است که بتواند با امکان سازیهای مناسب، عرصه را برای این تغییرات آماده کند. تغییراتی که در صورت فراهم نبودن زمینه‌های آن، یقینا عرصه سیاسی جامعه ایران را با بحران‌های متوالی روبرو خواهد نمود.

به نفع سرمایه جهانی تغییر دهند. خصوصی سازی صنایع دولتی، ورود بی رویه کالاهای خارجی و غیر ضروری و لغو مالیات بر کالاهای وارداتی همگی منجر به به رکود تولیدات داخلی و خدمات عمومی و رشد فزاینده فقر و بیکاری در این کشورهاست (وزارت نیرو یکصد شرکت را به بخش خصوصی واگذار می کند (حیات نو ۹ مهر). اقتصاد جهانی بر اساس صدور مواد خام از کشورهای عقب افتاده و ورود تولیدات ساخته شده از کشورهای اصلی سرمایه داری به کشورهای جهان سوم تنظیم شده که پیامدی جز تخریب اولین جوانه های صنعت کشورهای وام گیرنده ندارد. توصیه های این دو نهاد در راستای منافع سرمایه داری جهانی که همیشه بدنبال مواد خام ارزان قیمت، بازار تازه برای تولیدات خود و نیروی کار ارزان در جهت سرکوب اعتصابات کارگری کشورهای اصلی سرمایه داری است و در خدمت کنترل سیاسی نهادهای اصلی سرمایه داری جهانی و امپریالیستی بر شالوده های اصلی حیات اقتصادی اجتماعی سیاسی تنظیم شده که بدون شک متوجه جهتگیریهای سیاسی کشورهای وام گیرنده هم خواهد بود و از آنجا که سیاستهای این دو نهاد استعماری مبتنی بر سیاستهای نئولیبرالیستی جهان سرمایه است نه تنها از نظر اقتصادی کشورهای وام گیرنده را دچار بحران می کند بلکه با چسبیدن بر شریان اقتصادی این کشورها عقاید سیاسی نظم نوین سرمایه و انحصارات جهانی سرمایه داری را به آنها نیز تحمیل می کند. محتوای برنامه اقتصادی جمهوری اسلامی با کمک سیاستهای بانک جهانی و صندوق بین الملل پول، تامین امنیت سرمایه داری جهانی و نابودی امنیت شغلی زحمتکشان است که کارگران را هر روز بیشتر از گذشته زیر فشار کمر شکن اقتصادی قرار می دهد اما کارگران و زحمتکشان کشور ما همچون کشورهای دیگر ساکت نمی نشینند، تجمع اعتراضی کارگران کارخانه نساجی کرمانشاه، کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر، کارگران قرقره زیبا، کارگران لوله سازی اهواز و کارگران کارخانجات دیگر نقاط کشور نشان دهنده ان است که کارگران و زحمتکشان میهنمان در حال سازماندهی مبارزات خود در مقابل سیاستهای فریکارانه سردمداران رژیم هستند تا آنجا که صدای "نه" پر طنین کارگران به گوش مهدی مهدوی معاون تحقیقات آموزش و ترویج وزارت تعاون رژیم نیز رسیده است که هشدار می دهد: تورم و بیکاری هر دو پتانسیل های "براندازی حکومت" هستند (حیات نو، ۱۰ مهر).

کندو کاوی در مسائل کارگری ایران ویژه شهرستان ساوه

ب. دهقان

است و با مشاهده آن در ذهن، نقاشیهایی که از کاروانسراهای قدیم به جای مانده است تداعی می شود. فرتوت و قدیمی است. بیشتر مردم بومی صاحب باغ و صاحب زمین هستند. در واقع طبقه متوسط محسوب می شوند.

دست بندی دیگر، محله های غیر بومی است که بعد از ایجاد کارخانه ها متولد شده اند، اکثراً کارگران ارزان و بهره ده کارخانه ها هستند. برای مثال به منطقه غربی شهر اشاره می کنم که محله کردهای آواره عراقی است و آمدن آنها به ایران از دوران شاه شروع شده است. خانه هایی با سقف کوتاه و چوبی که با خشت گلی بنا شده اند و شامل یک یا دو اتاق می شوند که خانواده های پر جمعیت را در خود جای می دهد. در کوچه هایش نظمی رعایت نشده حاکم است و گویی با هجومی ناگهانی این زمینها را در اختیار گرفته است. بخش زیادی از کارگران باغات انار را این جمعیت به خود اختصاص داده اند. از آن جایی که به علت خارجی بودن، ممنوعیت استخدام دائم دارند در نتیجه تعدادی از آنها به کارهای ساختمانی که اغلب فصلی است روی می آورند.

جمعیت دیگری که تور شهر صنعتی از زادگاه و دیار خودشان آنها را کنده و صید کرده است، گریختگان و خانه خراب شدگان جنگ کردستان ایران هستند و یا ساکنان شهرهای غرب کشور که در اثر جنگ خانمانسوز ایران و عراق و نیز نبودن امکانات کار به این شهر کشانده شده اند. البته، از شهرهای شمال و حتی تهران برای پیدا کردن کار و امرار معاش در این شهر ساکن هستند و یا افرادی از روستاهای اطراف شهر که وضعیت معیشتی مناسبی ندارند به این شهر دخیل بسته اند و یا افغانها که تعدادشان قابل توجه است و کارهای دشوار در اختیار دارند.

ناگفته پیداست کسی که از شهر و دیار خود آواره شده و سرمایه ای در اختیار ندارد، جبر زندگی ایجاب می کند که نیروی کارش را به فروش برساند و ناگزیر است همانگونه که می بینیم، برای تامین معیشت به هر شرایط کاری تن بدهد. شاید یکی از مشخصه های جمهوری اسلامی این باشد که هیچ فردی در هیچ چیزی انتخاب آزاد ندارد. به همین دلیل انتخاب شغل وجود ندارد و تحمیل است. فقط نیروی کار ارزان برای صاحبان کارخانه ها و صاحبان باغها به وفور تامین شده است. پیدا کردن کار یا از طریق آشنا دوستی صورت می گیرد و یا مراجعه به

با نزدیک شدن به شهر، انعکاس شعاع آفتاب بر شیروانیهای کارخانه ها جلب توجه می کند. و به ما خبر شهر صنعتی کاوه را می دهد که گویا، به دلیل نزدیکی به تهران آن را ایجاد کرده اند زیرا هر مسیری که به شهر تهران ختم می شود، در آن یک شهر صنعتی تاسیس شده است. مثل جاده کرج، جاده ابدلی، جاده ساوه و ..

البته تهران هم به نوبه خود از سر چشمه کشورهای صنعتی و صادر کننده تکنولوژی بهره می گیرد و آب حیات می نوشد. بنابراین، در این مجموعه به هم پیوسته، شهر ساوه حلقه ای از زنجیر چرخه حیات اقتصادی کشور محسوب می شود. شهری که در فرودست تهران خفته است و با شگفتی خاصی، کهنه و نورا بدون آن که دست دراز سرمایه در آن دخالت کرده باشد، یک جا با خود دارد. خانه های قدیمی و گنبدی شکل، آن هم در قسمت مرکزی شهر، از سالهای بسا دور حکایت دارند و کارخانه های رو به فرونی و مسکنهای جدید و مدرن آن دال بر وجود دنیای نو در این شهر هستند. هر دو بر بستر موضوع کار خاص خود تکیه زده اند و قامتشان را ایستاده نگه داشته اند - اولی بر زمین و باغات سوار است و دومی بر پشت کارخانه ها و پویندهای هزار رشته ای با دنیای سرمایه و کالا نشسته است - علاوه بر اینها، مکان دیگری که تعداد زیادی کارگر را به خود جلب کرده، سد ساوه (سد شاه عباس سابق) است که بخش عمده اجرای آن را کشور رومانی بر عهده داشت (در حال حاضر آن طور که از اخبار شنیده ام به بهره برداری رسیده است).

با این حال، مجموعه منابع کاری فوق از خود تأثیراتی اجتماعی به جای گذاشته که بازتاب آن باعث شده، با توجه به مقدرات اقتصادی و امکانات کاری موجود، از نقطه نظر معیشتی، این شهر به دسته بندیهای مختلفی تقسیم شود.

نخست، محله های بومی که اکثراً در مرکز شهر قرار دارند که شامل: خیابان تهران، خیابان اصلی، میدان مخابرات، سه را طالقانی و خانه های مسکونی محصور در این خیابانها هستند. فرهنگیان، صاحبان مشاغل آزاد که خدمات کارخانه ها را بر عهده می گیرند در اینجا زندگی می کنند.

و نیز بازار را باید اضافه کنم که رویروی ترمینال تهران است. این بازار کماکان، شکل قدیمی و سنتی خود را حفظ کرده

اداره کارایی و یا باید در میدان کار به هر ماشینی آویزان شوند. روشن است که اداره کارایی (اداره کار) شرايطی را پیش پای افراد قرار داده است که مانع دست یافتن به کار می شود. مثلاً: اولویت دادن به خانواده شهدا، متولدین آن شهر و متخصص و نیروی فنی و گنجاندن در نوبت که تا سالها طول کشیده و فرد را مستأصل می کند. بنابراین دست کارفرمایان در تنظیم با کارگر باز است. در ابتدا کارگر را به صورت قراردادی آزمایش به کار می گیرند که اخراج آنها دردسری نداشته باشد، حتا کارخانه های وابسته به دولت را که اکثراً تحت پوشش بانک صنعت و معدن هستند برای استخدام و به کارگیری شرایط سخت تری دارند، مثلاً تاییدیه انجمن اسلامی را هم اضافه کرده اند. به هر حال نیروی کار فراوان که در دریای زندگی شناورند و خود را به امواج سپرده اند، آن اهرم اساسی است که در دست صاحبان کار قرار دارد. به عنوان مثال: در اعتصاب شرکت مفره سازی و یا اعتصاب کارخانه های بلال و ... کارفرمایان بی هیچ دردسری اقدام به اخراج کارگران کردند. البته کارفرمایان شیوه های خاص خود را به کار می گیرند که بسیار متنوع است، و بیشتر سعی دارند بین کارگران رقابت ایجاد کنند - یک شیوه آن به اصطلاح «پشت لیبی» است؛ یعنی مبلغی را اضافه بر حقوق کارگران به افراد خبررسان و همکار کارفرما می دهند. ابزار دیگر مسکن است. از آنجایی که کارگران از بابت مسکن در مضیقه هستند، به جای پاسخ به این نیاز و حل آن، روی آن سوار می شوند و از آن چماقی می سازند، زیرا در بیرون از کارخانه، آنهایی که مجرد هستند دشواری ویژه خود را دارند که خاص نظام جمهوری اسلامی است و به ندرت خانه کرایه ای در اختیارشان قرار می دهند. آنهایی که متاهل هستند فشار اقتصادی و حقوق ناچیزشان آنها را با مشکل مواجه کرده است. از عوامل دیگر مانند جنگ اعصاب با صاحب خانه می گذرم.

مسأله دیگری که کارگران را رنج می دهد پرداخت حقوق است، عجباً! که همان حقوق ناچیز هم ماهها به تاخیر می افتد. مثلاً در سد ساوه نزدیک به ۳ ماه بود که کارگران حقوق نگرفته بودند و اکثر اوقات دست به تجمع اعتراضی می زدند اما جز دست به سر کردن نتیجه ای نگرفتند و جز توهین و تحقیر چیزی عایدشان نشد. صاحبکاران به مانند فاتحانی رفتار می کنند که گویا با آدمی مواجه نیستند بلکه مشتی اسیر را در يد قدرت خود دارند. ترفند دیگر

صاحبکاران به تعطیلی کشاندن کارخانه است. می دانیم که شرکت های تولیدی به ویژه شرکت های خصوصی (سهامی خاص)، تحت حمایت بانکها هستند و از ارز ترجیحی بهره مند می شوند. آنها را از خرج تولید نمی کنند بلکه در عوض سعی شان این است که تا سالها از خط موتناز استفاده ببرند چون به مفهوم به کارگیری نیروی کار کمتر و مینیمم خرج در حداقل زمان و دستیابی به تولید بیشتر است. از اینها گذشته، تمامی قطعات از خارج وارد می شود - در کارخانه فقط سر هم بندی می کنند و بقیه ارز را که خیلی از ارز آزاد ارزانتر است، صرف کارهای دیگری می کنند و یا به فروش می رسانند. کارخانه دار سرلوحه کارش سود شخصی است و بس. با این وصف هر وقت قطعات وارده از کشور مادر (مثلاً در کارخانه های بلال از شرکتی چند ملیتی که مرکزش در بلژیک بود، وارد می کرد) به اتمام رسید، بدون هیچ حقوق و مزایای کارگران را اخراج کرده و کارخانه را تا مدتها تعطیل می کند.

این وضعیت که مشتی از خروار است، فقط خاص مناطق کارگری ساوه نیست، بلکه به یقین می توان گفت که در سایر نقاط کارگری نیز وجود دارد و شرایط اگر بدتر نباشد، بهتر نخواهد بود. تا زمانی که این رژیم و رژیمهای ضد کارگری مشابه با عنوان دیگر، روی کار هستند تغییر حاصل نخواهد شد، مگر این که کارگران با رنج خود و با نیروی خود، قدرتی ایجاد کنند که بر دشمن غالب گردند.

وضعیت بسیار بد کارگران در قائمشهر

در ۱۵ آبان، اعلام شد که کارگران نساجی طبرستان و تالار قائم شهر در قائمشهر که در مجموع بیش از یک هزار کارگر دارد، به مدت ۴۵ روز تعطیل و فعالیتی نخواهد داشت.

روزنامه جمهوری اسلامی ۱۶ در آبان در رابطه با این خبر نوشت که کارگران این دو کارخانه به مدت ۵ ماه حقوق و مزایایی دریافت نکرده اند. در این رابطه تنی چند از کارگران با مراجعه به دفتر روزنامه و تماس تلفنی از اوضاع بسیار بد معیشتی خود سخن به میان آورده و از مسئولین تقاضای رسیدگی فوری و رفع مشکل و بحران کارگری نمودند.

انتخابات در برزیل

اسد طاهری
لویس اینا سیو لولا داسیلوا، رهبر حزب کارگر، رهبر سابق اتحادیه های کارگری و زندانی سابق که هیچگاه هیچ مقام دولتی نداشته است، با کسب نزدیک به ۶۲٪ آرا به مقام رئیس جمهوری برزیل رسید.

مردم که او را "لولا" می نامند، در سراسر برزیل این پیروزی را جشن گرفتند و میگفتند که این پیروزی فقرا علیه سرمایه داران است و امیدوارند که دوره ریاست جمهوری "لولا"، سر آغاز رفاه بیشتر برای همه مردم برزیل باشد. بیش از یک قرن بود که حکومت در دست راستگرایان و نماینده گان سرمایه قرار داشت،

ریودوآنیرو را سراسر شور و شادی مردم فرا گرفته و در هر گوشه شهر پرچمهای برزیل و پرچمهای قرمز حزب کارگر بر افراشته شده بود.

مردم به این کارگر سابق صنایع فلز کار امید بسته اند، آنها فکر میکنند که "لولا" آرزوهایشان را بر آورد کند. آنان خواهان دموکراسی سیاسی - اقتصادی هستند و همچنین میگویند: ما به آن امید داریم که اوضاع برزیل واقعاً دگرگون شود و او تغییراتی کلی در کشور بدهد.

"لولا" در کنار همسرش "ماریسا" قول داد که جهت بهبود معاش ۱۷۵ میلیون برزیلی که بیش از ۵۰ میلیون نفرشان زیر فقر به سر میبرند و روزانه ۲۴ ساعت کار میکنند راهی پیدا کند. او گفت: من حداکثر تلاش ممکن را به کار می گیرم تا ملت ما دوباره بر خیزد و بتوانیم شادی و امید را به آنها باز گردانیم، رشد اقتصادیمان را از سر بگیریم، ثروت و شغل را که نیاز مبرم به آنها داریم فراهم آوریم. در مقابل او ده ها هزار نفر از هواداران او پرچمهای قرمز و سفید مزین به ستاره حزب کارگر را تکان میدادند، او افزود: اوضاع تا کنون خیلی آسان سپری شده است و کار سخت از هم اکنون شروع می شود.

برزیل در سال ۱۹۶۴ تحت کنترل نظامیان قرار گرفت و حدود ۱۵ سال بعد (۱۹۷۹) حزب کارگران برزیل تأسیس گردید. نظامیان در سرکوب مردم و جنبشهای کارگری کوتاهی نکردند و بسیار زیادی از رهبران سیاسی برزیل را به زندان انداختند. با این وجود مبارزات کارگران فروکش نکرد، اتحادیه کارگری بنیان گذاری شد و "لولا" یکی از اعضای این اتحادیه بود. او جوانی بیش نبود که به عنوان رهبر اتحادیه انتخاب شد. چندی بعد درون اتحادیه گروه های اپورتونیست رخنه کردند و در این موقع بود که "لولا" نتوانست با سیاستهای آنها سازگار باشد و از اتحادیه بیرون آمد، اما دولت در سرکوب کردن کارگران کارخانجات کوتاهی نمیکرد. در این موقع، "لولا" رهبر کارگران فلز کار و به عنوان یکی از انقلابیون مبارز و پیشرو ظاهر شد و به حزب کارگران پیوست. چندی بعد با اپورتونیست ها و رفرمیستهای درون حزب به مبارزه بر خواست و گفت: با این گروه و این ایده انقلاب به پیش نخواهد رفت. او تا سال ۱۹۷۸ از مواضع انقلابی خود کوتاه نیامد، اما از این به بعد تر خود را عوض

کرد و گفت ما برای به پیش بردن منافع خود احتیاج به داشتن قدرت سیاسی هستیم. اما غافل از اینکه یک مبارز و رهبر انقلابی بی‌ش از هر چیز به یک برنامه انقلابی که مستقل از تمام ارگانهای وابسته به دولت سرمایه داری و دارای مرزبندی آشکار با هر گونه برنامه سرمایه داری باشد، نی‌از دارد. از این زمان به بعد ضعف درون حزب آشکار شد، و "لولا" به عنوان یک چپ میانه رو در میان کارگران معروف شد. با تورم شدید در اکثر نقاط برزیل کارگران دست به اعتصابات زیادی زدند (حدود ۳ میلیون کارگر). عده ای از رهبران کارگران، به وابستگی "لولا" فریب خورده و اعتصابات خاموش شد، و کارگران فرصت اعلام برنامه خود را پیدا نکردند و در تصمیم گیری هم غافل ماندند در این زمان بود که "لولا" از زندان آزاد شد. در کنگره بعدی حزب رأی اعتماد گرفت و رهبر حزب شد، بعد از آن بعضی از اعضای صادق حزب با فشارهای زیاد گروه راستگرا از حزب اخراج گشتند. مبارزات کارگری هیچگاه خاموش نشد و کارگران راه انقلابی خود را ادامه دادند، اعتصابات علیه راست گرایان، صندوق بین المللی پول، خواست بر حق خود، آزادی سیاسی - اقتصادی و داشتن اتحادیه های مستقل و انقلابی در سر لوحه آنان بود.

آیا "لولا" با این پیروزی می خواهد سیاستهای بورژوازی را تحت عنوان حزب کارگران به مردم تحمیل کند یا در عالم رؤیا بسر میرود. او گفت: در صدد است که یک دولت با مشارکت عمومی مردم تشکیل بدهد، و همه گروه های اجتماعی بتوانند در آن شرکت کنند، مشارکت نمایندگان زحمتکششان یا نمایندگان طبقه مرفه.

برزیل و "لولا" به احتمال زیاد با مشکل های بسیاری دست به گریبان اند. تعداد بیکاری، فقر، و گرسنگی در دوره "دوسو" (رئیس جمهور سابق) به شدت افزوده شده است، تورم سرسام آور و میلیاردها دلار خارجی برای برزیل جذب کرده. آمار بیکاری به بالاترین حد (۲۱٪) بالاترین در جهان) از سال ۲۰۰۰ میلادی رسیده و ارزش پول برزیل "رئال" افت کرده است. خزانه دولت پول به قدر کافی نیست تا بتوان با آن دست به اصلاحات اجتماعی زد که در اولویت برنامه او قرار دارد.

اما برزیل از امکانات بسیاری بر خوردار است و قادر است به این وضعیت خاتمه بدهد، ولی دشوار میتوان پیش بینی کرد. چگونه دولت مشارکتی "لولا" خواهد توانست همزمان با پیگیری هدفهایی که صندوق بین المللی پول به عنوان پیش شرط وام (در زمان مبارزات انتخابی خود اعلام کرد که حاضر است زیر ۳۰ میلیارد دلار وام صندوق بین المللی پول را امضاء کند) برای آن کشور تعیین کرده است برنامه های اجتماعی لازم که او در برنامه انتخاباتی خود اعلام کرده، برای بهبود وضعیت گروههای کم در آمد را نیز به مرحله اجرا در آورد.

اخبار جهان

اسد طاهری
ایتالیا
روز ۱۸ اکتبر و در عرض شش ماه، برای دومین بار میلیونها کارگر ایتالیایی به یک اعتصاب سراسری دست زدند. اعتصاب کارگران به دلیل قطع بودجه برای اتحادیه "CGIL" و اخراج ۲۸۰۰۰۰ از کار در شمال شهر صنعتی تورین (کارخانه فیات) ۲۰۰۰۰۰ نفر در میلان ۱۰۰۰۰۰ و در رم ۱۰۰۰۰۰ نفر و در منس و فلورانس هر کدام ۴۰۰۰۰ نفر انجام می شد. در اکثر شهرها دانش آموزان دبیرستانی و دانشجویان دانشگاه به این اعتصابات کارگری پیوستند.

چین

روز جمعه ۶ نوامبر چین شاهد یکی از بزرگترین رویدادهای تاریخی خود بود. شانزدهمین کنگره حزب کمونیست، از حیاتی تری ترین و مهمترین کنگره های حزب کمونیست چین محسوب می شد. چین در این کنگره ۷ روزه در پکن، بیش از ۲۰۰۰ نفر از اعضای حزب از سراسر کشور شرکت کردند. دبیرکل حزب کمونیست چین، جیانگ زمین، در سخنرانی افتتاحیه خود گفت: حزب کمونیست باید فعالیتهای تجاری را بپذیرد و رسماً به سرمایه داران اجازه دهد که عضو حزب شوند. او تأکید کرد که: حزب کمونیست چین هرگز نباید از الگوی سیاسی غرب کپی و نمونه برداری کند. او افزود: حزب کمونیست، قهرمان طبقه کارگر بوده و اگر بخواهد مقام خود را حفظ کند، باید افراد و گروههای بیشتری علاوه بر کارگران را در حزب بپذیرد. قرار است که اکثر رهبران بلند پایه حزب در این کنگره از مقام خود کناره گیری و نسل جدیدتری را به عنوان جانشین خود معرفی کنند. "هو جین تائو" در شانزدهمین کنگره چین به عنوان دبیر کل حزب کمونیست چین برگزیده شد.

لیبی

سیلویو برلوسکونی، نخست وزیر ایتالیا به عنوان عالیترین مقام اروپائی طی دو دهه اخیر، از لیبی دیدن کرد. لیبی، بعد از انفجار هواپیمای پان امریکن در آسمان اسکاتلند که موجب مرگ ۲۷۰ نفر شد، در سال ۱۹۹۲ از سوی جامعه بین المللی مورد تحریمهای سازمان ملل متحد قرار گرفت. ایتالیا و لیبی دارای روابط تاریخی و اقتصادی نزدیکی بوده اند، لیبی تأمین کننده اصلی نفت ایتالیا است و این در حالی است که لیبی از سوی واشنگتن در فهرست "کشورهای یاعی" قرار دارد. ایتالیا در خط مقدم تلاشهای اروپا برای از سر گیری روابط با دولت قذافی بوده است.

ترکیه

روز ۲۷ اکتبر درگیریهای بین سربازان ترکیه، در جنوب شرقی مناطق روستای استان "توجلی" در شرق آنکارا که یکی از پایگاههای اصلی حزب کارگران به شمار می آید، رخ داد. یکی از چریکهای حزب کشته و دو سرباز زخمی شدند. چریکهای کرد ترکیه ۱۵ سال است که برای کسب خود مختاری در جنوب شرق ترکیه، با دولت راست گرای ترکیه درگیری دارند. این در حالی است که بر اساس آتش بس یکجانبه ای که در سال ۱۹۹۹ توسط چریکهای کرد اعلام شد، نبرد میان چریکهای کرد کردستان ترکیه و ارتش این کشور کاهش یافته است.

ترکیه

پیروزی شگفت انگیز جریان اسلام گرای حزب عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان در انتخابات پارلمانی تعجب مردم را برانگیخته است.

اردوغان در سخنرانی خود گفت: مردم با اشتیاق کامل در این انتخابات شرکت کرده و درست ترین و بهترین تصمیم را در تاریخ ترکیه اتخاذ کرده اند. او اعلام کرد: در دوران حاکمیت حزب او، حقوق بشر به طور کامل رعایت گردیده و به طرز زندگی اقشار مردم احترام گذاشته خواهد شد. وی افزود که خواهان همکاری با اتحادیه اروپا می باشد. او بر استمرار همکاری نظامی با امریکا علیه عراق تأکید کرد. ژنرال حلیمی اوزکوک، رئیس ستاد ارتش ترکیه، برای دیدار با مقامات نظامی امریکا عازم واشنگتن شده است، ارتش ترکیه نقش اساسی و کلیدی در امور کشور را دارد.

به قدرت رسیدن جریان اسلام گرا در ترکیه سیاست دیگری است که در این منطقه بازی می شود، تا از حرکت توده ای زحمتکشان ترکیه جلوگیری شود. این در زمانی است که بحران، فساد و اختناق در ترکیه به حد اعلائی خود رسیده است. سرمایه داران کلان با این کار سعی در سرکوب جنبش انقلابی ترکیه گرفته اند.

اسرائیل

چندین هزار اسرائیلی سه شنبه شب ۲۷ اکتبر علیه سیاستهای دولت اسرائیل و اشغال سرزمینهای فلسطینی دست به تظاهرات زدند. تظاهرکنندگان با شعارهایی علیه شارون خواستار بر چیدن شهرکهای یهودی نشین شدند. آنها تا محل اقامت شارون راهپیمائی کردند و در شعارهای خود خواهان انحلال دولت او گردیدند. این تظاهرات توسط جنبش صلح اسرائیل سازمان دهی شده بود. بقیه در صفحه ۱۹

«می گویند از ایران بگویم، اما از کجای ایران؟» (۲)

مریم . م

دیدند نمی توانند و قدرت خواندن و ادامه تحصیل را ندارند انصراف دادند.

و اما نحوه امتحان کنکور در ایران: هر سال در تابستان، در اوج گرما، امتحان ساعت ۸ صبح برگزار می شود و ساعت ۱۲ ظهر به پایان می رسد. نامناسب بودن محیطی که امتحان برگزار می شود به جای خود بماند، گرمای وحشتناک حاکم بر محیط که بسیاری از بچه ها از روی صندلیهای چوبی محکم که کهرمان را تا چند روز به درد مبتلا کرد، بلند می شدند و از خیر امتحان می گذشتند.

زمانی که من امتحان دادم در گرمای وحشتناک خوزستان فقط ۳ کولر آبی در یک سالن بزرگ قرار داده بودند که من از گرمای محیط تا چند دقیقه فقط گریه می کردم که من اینهمه درس خواندم و خودم را آماده کردم و این گونه شرایط بد محیط اعصاب مرا در لحظه اول امتحان

سدهی به نام کنکور

می خواهیم از کنکور و امتحان ورود به دانشگاه در ایران بگویم چراکه بدترین دوران زندگی جوانان همین دوران پشت کنکور ماندن است که من خودم آن را تجربه کرده و درد آن را کشیده ام. امتحانی که به ناهق، حق میلیونها جوان را پایمال می کند. امتحانی که سرنوشت ما را تعیین می کرد که آیا با ورود به دانشگاه می توانیم بالاخره برای یک زندگی مستقل آماده شویم یا سالها باید در خانه ماند و روزی صد بار کتابها را خواند و آخسر هم رد شدن در کنکور. هر سال حدود ۲ میلیون دانش آموز در امتحان کنکور شرکت می کنند، که از این تعداد، صد و پنجاه هزار نفر انتخاب شدگان نهایی خواهند بود که می توانند وارد دانشگاه شوند و یک میلیون و هشتصد هزار نفر مردود می شوند. این آمار کمی نیست که این همه جوان خانه نشین شوند، البته قابل ذکر است که از این تعداد قبول شده، سهمیه های متعدد از قبیل سهمیه شهدا، جانبازان، اسراء ایثارگران، معقولالثر و رزمندگان در اولویت قرار دارند و از قبل حتی صندلی آنان هم در دانشگاه مشخص شده است و بهترین رشته ها را تصرف می کنند، فقط کافی است که بگویند چه رشته ای می خواهند.

به قول بچه ها این سهمیه دارها فقط نیاز دارند اسم کتابها را حفظ باشند تا اگر از آنها یک زمانی بپرسند چه خوانده ای حداقل اسمشان را بدانند! یکی از همکلاسیهایم که رقیب من نیز بود و در کسب نمرات عالی در یک سطح بودیم (اوفرزند «شهید» بود) وقتی که زمان امتحان کنکورمان فرارسید هر دو امتحان دادیم و نتیجه این شد که من قبول نشدم ولی او در رشته پزشکی دانشگاه شهید بهشتی تهران قبول شود. این وسط من که دارای هیچ گونه سهمیه ای نبودم باید حقم پایمال و به او داده می شد، همان همکلاسی ام تمام خانواده اش در بهترین رشته ها به دانشگاه رفتند، به بهترین دانشگاهها، چرا؟ چون پدرشان «شهید» شده بود. طوری که سه پزشک، یک مهندس و یک وکیل در خانه داشتند.

برادرم می گفت: دو فرزند «شهید» در دانشگاه همکلاسیم بودند، آنقدر این دو نفر از دروس مختلف رد می شدند (پاس نمی کردند) که چند بار مشروط شدند (کسی که مشروط می شود دیگر حق رفتن به دانشگاه را ندارد) ولی دانشگاه بعد از سه بار مشروط شدن باز هم آنها را پذیرفت طوری که دیگر خودشان وقتی

به دست آوردن یک زندگی مستقل، یک کار و همه چیز را در دانشگاه ببیند و غیر از آن هیچ راه دیگری حتی برای پیدا کردن کار وجود ندارد. این چنین است که آمار خودکشی جوانان بیچاره که به پوچی می رسند و می بینند که هیچ جایی در جامعه ندارند، بالا می رود.

چرا باید میلیونها جوان بیکار و افسرده داشته باشیم. چرا باید جوانان همه چیز را در رفتن به دانشگاه ببیند و اصلا چرا رفتن به دانشگاه این همه دشوار است. البته وقتی به دانشگاه رفتیم همه دیدیم چنان آش دهن سوزی هم نیست، نه امتیازی و نه امکاناتی، بعضی از دانشگاهها حتی برای استفاده از اینترنت هر ساعت، از دانشجویان پول دریافت می کردند. برای یک وعده غذا پول می دادیم که روز به روز گرانتر می شد، آن هم چه غذایی، در غذای همه دانشگاههای ایران کافور می ریزند برای جلوگیری از تمایلات جنسی در بین دانشجویان دختر و پسر.

اینجا به هر کس می گفتم در غذاها کافور می ریزند باورش نمی شد و می گفتند مگر ممکن است؟ چرا ممکن نباشد، در ایران هیچ جنایتی از ریز و درشت غیرممکن نیست

هر سال با مشکل خوابگاه مواجه شدن، وضعیت غذایی نامناسب داشتن، در دانشگاه به علت عدم دلسوزی استادان در نحوه تدریس اساسی فقط بدنبال نمره بودن، شهریه های سنگین، گران بودن وحشتناک کتابها، هزینه خوابگاه، تورم شدید اقتصادی برای یک دانشجو در شهر غریب، پوشش، حجاب، فقر اقتصادی و ...

در چنین محیطی چگونه می توان رشد فکری داشت؟ چگونه افسردگی از بین برود؟ وضعیت دانشگاههای آزاد که بدتر است. به قول بچه ها اگر ما را که دانشگاه دولتی بودیم، در دانشگاه " صد می کنند، آن بیچاره های دانشگاه آزادی را " هی " صد می زنند.

شرایط در دانشگاه آزاد

این قدر کارمندان دانشگاه آزاد در نهایت بی احترامی با دانشجویان برخورد می کنند که اصلا بچه های بیچاره به انسان بودن خودشان شک می کنند. یک بار به دانشگاه آزاد برای انجام کار دوستم رفته بودم ، داشتم دیوانه می شدم از بس که همه رفتارها با بی احترامی بود. بسیاری از دوستان دیگرم که در دانشگاه آزاد شهرهای دیگر درس می خوانند هم همین را می گفتند که با ما اصلا مثل آدم برخورد نمی کنند. اولاً

وارد هر دانشگاه آزادی که بشوی باید چادر داشته باشی و بدون آن حق رفتن به داخل را نداری. در هر دانشگاه آزاد، در دو طرف درب ورودی، دو اتاقک وجود دارد که دانشجویان را چک می کنند. دو زن با پوششی که فقط دماغ آنها بیرون است، آرایش دختران را چک می کنند و اگر از نظر خودشان آرایش غلیظ باشد آن راپاک می کنند، در غیر این صورت اجازه ورود به دانشجو نمی دهند. حتی اگر چادر نداشته باشی اگر شده یک چادر کثیف برایت تهیه می کنند. یک دلیل دیگر برای وجود این اتاقک ها این است که دانشجویان دختر و پسر با هم وارد نشوند و جداگانه وارد محوطه شوند. کما این که بعد از عبور از اتاقکها همه دانشجویان به هم ملحق می شوند. هم چنین قسمتی به نام " حراست " دارند، البته همه دانشگاهها این قسمت



خرد می کند. با آن پوشش اسلامی و آن گرما نمی دانم چطور ما امتحان می دادیم و قبول می شدیم؟ دوستانم که در رشته روانشناسی تحصیل می کردند می گفتند که آمارها نشان می دهد که حدود ۶۰ درصد از جوانان ایرانی افسرده هستند، این افسردگی در بین کسانی که پشت کنکور می مانند و پذیرفته نمی شوند بسیار بیشتر است. سال پیش در منطقه اکباتان تهران یکی از دانش آموزان وقتی کارنامه کنکور را می بیند و شاهد قبول نشدن خود می شود از فرط ناراحتی از طبقه هفتم ساختمان خود را به پائین انداخت. او یک سال، شب و روز، درس خواند و شاگرد اول مدرسه بود و حال مجبور بود که یک سال دیگر پشت کنکور بماند.

استرس داوطلبان ورود به دانشگاه آن قدر زیاد است که بسیاری از بچه ها به ناراحتی قلبی، فشار خون و ... مبتلا می شوند، کما این که خودم این دردها را کشیده ام. این بزرگترین جنایت است که بچه ها تنها راه

را دارند که به طور مخفیانه حرکات دانشجویان را کنترل می کنند و زیر نظر دارند که کدام یک از دانشجویان با هم گروه تشکیل داده اند و به صحبت مشغول می شوند، کدام دختر و پسر با هم صحبت می کنند، اگر در محیط دانشگاه چادر از سر دانشجویان پائین بیاید به او هشدار می دهند و اگر چند بار ادامه پیدا کند، او را به کمیته انضباطی می برند و در پرونده او ثبت می شود که بعداً برای فارغ التحصیل شدن برای او مشکل سازی کنند.
ادامه دارد

ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره‌ی به هزار سال مبارزه فرهنگی (۳۳)

اسماعیل وفا یغمایی

در باره چنگیزیان و ایلخانیان

مغولان یاتاتاران، زرد پوستانی بدوی بودند که در دره های کوههای خین گان و سایان و رودهای سلنگا و ارقون و کرولن و اطراف دریچه بایکال یعنی نواحی میان چین و منچوری و سیبری جنوبی زندگی می کردند. قبایل تاتار، قنقرات، قریز، اویغور، قیات، اویرات، آرات، جلایر، کرائیت، نایمان، قرلق، وقراختائی از اقوام و قبایل مغول بودند. اینان قبایلی وحشی و جنگجو بودند که از طریق گله داری و حمله و هجوم به دیگر قبایل روزگار می گذرانیدند. مذهب آنها پرستش آفتاب و آسمان و عناصر طبیعی بود و در میان برخی از قبایل متمدن تر آنها، مانویت رواج داشت. اکثریت مغولان سوارکاران، تیراندازان و جنگجویان شجاعی بودند که از حمله و هجوم و کشتن و کشته شدن هراسی به دل راه نمی دادند. مغولان توسط چنگیز خان که از اعضای قبیله قیات بود پس از جنگهای فراوان، متحد شدند و بر اثر ضعف و فساد و بی سیاسی دولت خوارمشاهیان چون سیلابهایی بنیان کن به ایران سرازیر شدند و یکی از سنگین ترین ضربات تاریخی را با کشتارهای بیرون از شمار و ویرانی شهرها بر ایران وارد آوردند.

تهاجم مغولان پس از حمله اسکندر مقدونی و فتح ایران پس از سقوط ساسانیان توسط اعراب سومین هجوم و ضربه از خارج مرزهای ایران به ایران بود. ایران دوران خوارمشاهیان علیرغم ضعف و فساد دولت خوارمشاهیان و سلطه فتودالیزم، یکی از آباد ترین و پرجمعیت ترین و بزرگترین کشورهای آن روزگار بود. تهاجم مغولان با سیاست کشتار و ترور عمومی همراه بود و امروزه برای ما که قرنهای از دوران مغولان فاصله داریم شاید قبول آمار و ارقام کشتارها و ویرانی شهرها مبالغه آمیز بنماید، ولی واقعیات ثبت شده و اسناد تاریخی نشان می دهند مبالغه ای در کار نیست.

برای درک گستردگی، پرجمعیتی و گسترش شهرهای ایران آن روزگار باید تاریخ ایران را از قرن سوم تا آغاز حمله مغولان بازخوانی کرد و با ایران آن روزگار آشنا شد تا ابعاد فجایع و کشتارها قابل درک بشوند. خالی شدن شهرهای کوچک و روستاها و پناهنده شدن صدها هزار تن از آوارگانی که از مقابل مغولها گریخته و به امید امان به شهرهای بزرگ

آمده بودند جمعیت شهرهای بزرگ را افزایش بسیار داده بود و موجب شد که پس از فتح این شهرها آمار کشتگان افزایش یابد.

اکثر شهرهایی که در هجوم مغولان کشتار و ویران شدند تا روزگار ماهرگز عظمت و شکوه گذشته را باز نیافته اند. به عنوان مثال شهر بخارا از شهرهایی که چشم و چراغ آن روزگار بود در ذیحجه سال ۶۱۶ هجری مطابق با فوریه ۱۲۲۰ میلادی به دلیل مقاومت مردم بخارا، سراسر به آتش کشیده شد و چون در بخارا بسیاری از عمارات از چوب ساخته شده بود شهر خاکستر شد و مردمانش کشتار شدند. شهر سمرقند نیز پس از سه روز مقاومت به سرنوشت بخارا دچار شد و سرنوشت شهرهایی چون اترار و خجند نیز با آتش و خاکستر و خون رقم زده شد. در شهر خوارزم پایتخت خوارزمشاه، چنگیز خان صد هزار تن از صنعتگران را از میان مردم جدا کرد و به ممالک شرقی فرستاد و سپس دستور کشتار عمومی را صادر کرد. در خارج شهر به هر سپاهی مغول بیست و هفت تن اسیر داده شد تا کشتار شوند. شهر جرجانیه مدتها در مقابل مغولان مقاومت کرد و پس از فتح آن توسط مغولان تمام مردم شهر کشتار شدند. شهر مرو پس از پنج روز مقاومت فتح شد و شمار کشتگان در مرو به هفتصد هزار تن رسید. شهر نیشابور پس از مقاومتی دلبرانه و پس از آنکه مردم نیشابور برای مقابله با مغولان، سه هزار سنگر بر پا کرده و پانصد منجنیق ساختند و جنگیدند، فتح گردید و به انتقام خون داماد چنگیز خان، تعاجاز نوایان، یکسره ویران شد و تمام مردم کشتار شدند و حتی برای این که در میان مقتولین کسی زنده نماند دستور داده شد که تمام کشتگان را سر بریدند و حتی سگها و گربه های را کشتند. شمار مقتولان شهر نیشابور که از بزرگترین و آباد ترین شهرهای دنیای آن روزگار و از بزرگترین مراکز فرهنگی ایران بود در اسناد متعدد، بالغ بر یک میلیون و هفتصد هزار تن ذکر شده است. توس و مشهد نیز چنین سرنوشتی پیدا کردند.

هجوم دوم مغولان پس از سال ۶۲۶ هجری صورت گرفت. در هجوم دوم شهرها و مناطق میافارقین، دیار بکر، ارزنه الروم، ماردین، نصیبین، موصل، بدلیس، اخلاط، مراغه، اربل، گنجه، ارمنستان، نینوا، سامره، سیستان، غزنین، کابل و بسیاری از شهرها و مناطق دیگر از دم تیغ، و آتش مغولان گذشتند. در هجوم مغولان اگر چه سپاهیان سلطان محمد خوارزمشاه علیرغم کثرت خود کاری از پیش نبردند ولی مردم شهرهای ایران در بسیاری نقاط برای دفاع از هستی خود دلیرانه مقاومتی فراوان کردند که در نهایت سودی نبخشید و امواج غیر متشکل مردم در مقابل سازمان یافتگی

سپاهیان جنگجو و جرار مغول کاری از پیش نبردند. از دوران هلاکو خان مغول ایرانیان اندک اندک در میان مهاجمان جای خود را گشودند و سرانجام مغولان حاکم بر ایران، از رنگ و فرهنگ و مذهب ایرانیان تاثیر پذیرفتند و در نهایت مانند دیگر سلسله های حاکم، پس از دوران قدرت راه ضعف و اضمحلال پیمودند. بزرگان سیاستمدار ایرانی اگرچه اکثر آنها خود در طیف فتودالهای حاکم و صاحب قدرت قرار داشتند از دوران هلاکو به بعد از زاویه ای نقش مثبت داشتند ولی این تمام حقیقت نیست.

ضربه سهمگین مغولان ضربه ای تاریخی بود و آثار این ضربه مهیب به صورت یکی از علت های منفی تاریخی، بسیاری معلولها را پدید آورد که تا قرنهای بعد تاثیرات خود را در زمینه های مختلف به جا نهاد و روند رشد و حرکت تاریخی ایران را دچار کرد.

حمله مغولان دارای تاثیراتی آبی - و نیز تاثیراتی ماندگار - بود که در کشتارها و ویرانیهای هول انگیز خود را نشان داد. اثرات آبی، مربوط به دوران اول حمله و عصر هجوم و توسعه طلبی مغولان بود. نمونه هایی که در اسناد تاریخی وجود دارد بسیار تاثیر انگیز و دردناک است.

دراثر حمله مغول سیستم کشاورزی و آبیاری از بین رفت و حیوانات اهلی یا به غارت رفتند و یا خورده شدند و قحطی و امراض مختلف چهره نشان دادند و همراه با کشتارهای مغولان زمین را از اجساد مردم انباشتند. در این میان خراسان بیشترین صدمه را دید و قحطی و ویرانی سراسر آن را تسخیر کرد. در این دوران وحشت انگیز کاربزه و قناتها از اجساد زنان و مردان و کودکانی که در گریز از مغولان به این مکانها پناه آورده و از گرسنگی و بیماری مرده بودند پر بود.

ویرانی چنان بود که از هرات تا مازندران کسی را مجال سکونت نماند و این سر زمینهای گسترده جولانگاه درندگان گردید. در «تاریخ سیفی» نوشته سیفی هرروی نمونه های دردناکی از دوران حمله مغول به روایت شهود عینی نقل شده است. مولف این کتاب از قول یکی از شاهدان نوشته است «از حدود بلخ تا مغان یک سال پیوسته خلق گوشت آدمی و سگ و گربه می خوردند، چه چنگیزیان جمله انبارها را سوخته بودند». با از بین رفتن سیستم کشاورزی و آبیاری و بروز قحطی شمار زیادی از نجات یافتگان از کشتار مغول، برای نجات از مرگ به اجبار به راهزنی روی آوردند به آشفتنگی

اوضاع افزوده شد. به نوشته مولف تاریخ سیستان، در سیستان ویران شده از حمله مغول چنان قحطی عظیمی پیدا شد که یکصد هزار نفر در اثر قحطی و بیماری مردند. وضع طبرستان نیز که از سرزمینهای بسیار آباد و پر نعمت بود پس از حمله مغول نظیر سیستان و خراسان بود. ابن اسفندیار مولف «تاریخ طبرستان» مینویسد: پیش از حمله مغول طبرستان چنان آباد و سر سبز و پر نعمت بود که در آن اساسا درویش و فقیر وجود نداشت اما پس از حمله مغول سراسر طبرستان ویران و خالی از سکنه گردید.

در دوران دوم، عصر تثبیت حکومت مغول - از دوران ایلخانان تا دوران اضمحلال - تاثیرات ماندگار دوران مغولان در عرصه قوانین حاکم بر ایران آن روزگار و در زمینه های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی تا مدتهای مدید خود را نشان داد، مجموعه این تاثیرات آبی و تاثیرات ماندگار، تبدیل به عواملی تاریخی گردید که پیکره تناور ایران را دچار ناهماهنگی و ضعف و بیماری نمود و به کندی حرکت تاریخی یک ملت کهنسال انجامید.

تاریخ نگارانی که فقط با تاکید بر قدرت فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی و حل شدن مغولان در این فرهنگ، بر تاثیرات مخرب و ماندگار حمله مغولان درنگ نمی کنند بخش عظیم و قابل تجربه اندوزی این مقطع از تاریخ ایران و سیر علت و معلولی آن، و لاجرم عقب ماندگیهایی را که دامنه آن تا مدتهای طولانی ادامه دارد از نظر می اندازند.

خشونت و بیرحمی چه در عرصه اقتصادی با چپاول مردم و چه در عرصه سیاسی و اجتماعی با کشتارها و تجاوزها، از مختصات حکومت مغولان و همراهان و همکاران ایرانی مغولان در ایران است.

مغولان به خصوص تا دوران غازان خان دارای قوانین جزائی وحشتناکی بودند. شکستن کمر محکومان، در روغن گذاخته فرو کردن، سرب و روغن مذاب در گلو ریختن، زنده زنده دریدن و خوردن محکومان، شکم دریدن، در پوست گاو دوختن و دو نیمه کردن، مالیدن عسل بر بدن محکومان و رها کردن آنان در میان حشرات گزنده از زمره شیوه های آنان برای مجازات بود، در برخی اوقات خانواده محکومان نیز با آنان کشتار می شدند.

بقیه در صفحه ۱۹

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
مدیر مسئول: زینت میرهاشمی
تحریریه: لیلا جدیدی
منصور امان
زینت میرهاشمی
چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرد

بهای اشتراک سالانه

اروپا معادل	۱۷ یورو
آمریکا و کانادا و سوئد	۲۴ دلار
استرالیا	۴۰ دلار
تک شماره	۱۱ دلار
فرانسه	۱۱ یورو

زنان و مسیر رهایی

اخبار جهان

بقیه از صفحه ۱۱

بقیه از صفحه ۱۶

آسیا

طبق آمار سازمان ملل متحد، قاره آسیا با یک چالش عمده در تأمین آب آشامیدنی روبرو شده است. تقریباً دو سوم آنان به آب آشامیدنی سالم و تصفیه شده دسترسی ندارند. بر اساس این گزارش در پایتخت بنگلادش، ۷۰٪ جمعیت فاضلاب ندارند، و سالانه دهها هزار کودک به دلیل بیماریهای ناشی از آب آلوده می میرند.

در کلکته حدود نیمی از جمعیت در زاغه ها زندگی می کنند و آب را از چاه بیرون می کشند. در بنگلور ۶ میلیون، بیش از نیمی از مردم به شیرهای عمومی متکی هستند و تقریباً یک سوم جمعیت شهر، به آب آشامیدنی از طریق لوله کشی دسترسی ندارند.

بحرین

دولت بحرین به منظور هموار کردن مسیر انتخابات کابینه جدید، استعفا کرد. شیخ خلیفه بن سلمان آل خلیفه، نخست وزیر بحرین که از زمان استقلال این شیخ نشین در سال ۱۹۷۷ عهده دار این مقام بوده، روز جمعه ۹ نوامبر، به همراه اعضای دولت استعفاء داد. شیخ حمد بن عیسی آل خلیفه قرار است که کابینه جدیدی تأسیس کند و گمان می رود که یک زن در کابینه جدید به مقام معاونت وزیر و یا وزیر اعلام شود.

کره جنوبی

حدود ۱۰ هزار کارگر در کره جنوبی، در اعتراض به طرح مربوط به بخش اقتصادی در "سئول"، تظاهرات بزرگی به راه انداختند. این طرح در صورت تصویب به شرکتهای بزرگ در مناطق ویژه اقتصادی امکان می دهد که از تعداد روزهای مرخصی استحقاقی کارگران بکاهد. همچنین در صورت تصویب این طرح، در عمل حقوق کارگران حدود ۲۰٪ کاهش خواهد یافت. کارگران از دولت خواستند روند خصوصی سازی شرکتها را که معمولاً به اخراج گروهی از کارگران منجر می شود، متوقف کند.

کنگو

جمهوری دموکراتیک کنگو درگیر یک جنگ داخلی است که فقر، گرسنگی و آوارگی تعداد کثیری از مردم را در پی داشته است. طبق گزارشها بخش اعظم تلفات و سو تغذیه در شرق کنگو از اقدامات تبهکارانه ناشی می شود که اموال روستائیان را غارت می کند.

در یک گزارش، اسامی ۲۹ شرکت و ۵۴ نفر که بسیاری از آنان آفریقائی هستند ذکر شده که در سرقت مواد معدنی ارزشمند کنگو دست دارند و در سو استفاده مالی، قاچاق و سایر اقدامات دیگر فعالیت دارند. در میان کسانی که به عنوان دست اندرکاران شبکه های جنایتکار در این گزارش از آنان نام برده شده، اسامی "امرسون منانگاوا" رئیس مجلس زیمبابوه و روسای ستاد ارتش رواندا و اوگاندا نیز دیده می شود.

آمریکا

"پال ولستون"، یکی سناتورهای آمریکا در جریان سقوط مشکوک هوایما به همراه همسر، فرزندش و پنج نفر از اعضای دفترش کشته شد. او تنها سناتوری بود که از همان ابتدای جنگ بوش علیه عراق، صدای خود را بلند کرد و گفت: جنگ علیه عراق اشتباه بزرگی است. او در آخرین نطقش در سن گفت: من چنین رای می دهم، برای خودم، ایالت، کشورم و تمام دنیا رای می دهم. "جنگ علیه عراق نه".

خانواده سناتور "ولستون" از فرستاده رئیس جمهور خواستند که در مجلس یادبود وی شرکت نکند. پسران سناتور "ولستون" از "دیک چینی" معاون رئیس جمهوری که می خواست در این مجلس شرکت کند، گفتند: لطفاً تشریف نیاورید.

خطر شناخته شده یا تغییر شرایط کار، مثالهایی از اقدامهای مذکور هستند. مجاز بودن کارگران زن به تغییر شغل، بدون کسر شدن از حق السعی یا گذراندن مرخصی با استفاده از حقوق، در صورت تهدید سلامتی آنها، یکی دیگر از راههای حمایت از این کارگران از سوی دفتر بینالمللی کار اعلام شده است، در عین حال که آنها باید این حق را داشته باشند که به محض مناسب شدن شرایط، به شغل سابق خود یا کاری مشابه آن بازگردند.

افزایش آمار مبتلایان به ویروس ایدز

۱۶ نوامبر، ۲۵ آبان - ایرنا. محمد رضا راه چینی، رئیس سازمان پژوهیستی در همایش "تازه های درمان اعتیاد" گفت: بیش از ۵۰ درصد زنان روسی در کشور مبتلا به ایدز هستند. او گفت که مصرف مواد مخدر یکی از عوامل اصلی گسترش ایدز در کشور است. آمار نشان می دهد که ۶۵ درصد مبتلایان به این بیماری از تزریق مواد مخدر به این بیماری مبتلا گشته اند.

آدم کشی تنها راه حل قضایی

رژیم جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۲۰

حکم اعدام را به اثبات می رساند، محاکمه ناعادلانه می باشد که طی آن متهمین از زمان و بودجه برابر و کافی برای در اختیار گرفتن وکیل مدافع بر خوردار نمی باشند. از این رو اعدام در اکثر مواقع نصیب مردم فقیر می گردد. از طرفی، بسیاری از مجرمین دچار بیماریهای روانی و یا افراد معتاد به مواد مخدر هستند که باید تحت درمان قرار می گرفتند. این امکان نیز در جوامعی که تحت رژیم های فاسد و استثمار گر اداره میگردند، بندرت وجود دارد. حکم اعدام هیچگاه از وسعت و فراگیری مشکل نکاسته و تاثیری در محو فجایع خانمان سوز نداشته است. برای مثال تعداد قتل ها در آمریکا، ۶ برابر کشور انگلیس که دارای مجازات اعدام نیست، می باشد.

به گزارش سازمان عفو بین الملل در سال ۱۹۹۸، رژیم جمهوری اسلامی، آمریکا، چین، و کنگو روی هم ۸۰ درصد تعداد اعدامها را صورت داده اند. بی شک در این مسابقه چهارگانه مرگ زار، رژیم ولایت فقیه در مانده از حل مشکلات اجتماعی، گوی سبقت را از رقیبای خود برده است. آنجا که حقوق بشر پایمال می شود، جمهوری اسلامی همیشه پیشگام و مبتکر است.

۵ آبان ۱۳۸۱

آدرس نبرد خلق

در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail:nabard@iran-nabard.com

جنگ خبر

www.jonge-khabar.com

اخبار روزانه در جنگ خبر مطالعه کنید

جنگ صدا

اخبار و تفسیر خبری و سیاسی رویدادهای هر هفته را بر روی شبکه اینترنت گوش کنید

http://www.jonge-seda.com

ادبیات ایران

بقیه از صفحه ۱۸

مغولان و هجوم مغولان به ایران در وجدان و حافظه تاریخی ایرانیان به صورت افسانه ای کابوس آسا خود را نشان میدهد ولی در چین و مغولستان از چنگیز خان به عنوان سازمانده و فرماندهی توانا و خردمند و عامل اتحاد و ظهور تاریخی مغولان یاد میشود و سیمائی چون کورش هخامنشی در ایران دارد.

سلطنت سازمان یافته پادشاهان مغول بر ایران در حقیقت از زمان هلاکو خان شروع شد. چنگیزیان معاصر خلیفه سی و سوم تا خلیفه سی و ششم، آخرین خلیفه عباسی بودند. در زمان هلاکو خان کار خلفای عباسی و اسماعیلیان به پایان رسید.

NABARD - E - KHALGH

No : 210 22. Nov . 2002 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / Postbus 9458 / 1006 Amsterdam / HOLLAND

NABARD / P.O Box / London N7 / 7HX - ENGLAND

NABARD / Post fach 102001 / 50460 Koln / GERMANY

NABARD / P.O Box , 710631 / Herndon, VA / 20171 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

Name of Bank.... SOCIETE GENERALE / Address: Boulogne - S - Seine / FRANCE

Bank Code: 30003 / Post Code: 03760 / Account No: 00050097851 / Beneficent Name: Mme. Talat R.T

صحنه سازیهای مسخره رژیم آخوندی و دعوت مسئول شورا برای بازدید از قرارگاههای مجاهدین

مقاومت ایران اعمال فشار بر روی خانواده های رزم اوران آزادی، بسیج تبلیغاتی و صحنه سازی وزارت اطلاعات رژیم ملایان در مقابل دفتر ملل متحد در تهران در دوشنبه ۲۸ اکتبر را قویا محکوم می کند و آن را واکنش زبونانه در برابر محکومیتهای جهانی رژیم و اعتراضها و تظاهرات گسترده هموطنانمان در خارج از ایران می داند .

از چندین روز قبل وزارت اطلاعات با تهدید و ارباب خانواده های مجاهدین و شهدا و زندانیان سیاسی مجاهد، تلاش کرده بود آنان را وادار به شرکت در این صحنه سازی فرمایشی کند که با مخالفت آنان مواجه شده بود .

ادعای رادیو و تلویزیون و مطبوعات حکومت آخوندی مبنی بر تجمع اعتراض آمیز خانواده های مجاهدین که فرزندانشان اسیر گروهک تروریستی در عراق هستند و نگران سلامتی آنها می باشند، هیچ کس را در داخل ایران نمی فریبد . مردم ایران قتل عام زندانیان مجاهد را به یاد دارند و صحنه های قساوت بار شلاق زدن و حلق آویز جوانان با جراثقال در ملای عام را هم هر روز به چشم می بینند .

آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران نمایش روحوضی در برابر مقرر ملل متحد در داخل ایران و اعمال فشار بر روی خانواده ها برای شرکت در آن را که با فضیحت و پاسخ منفی خانواده های مجاهدین مواجه شد، قبل از هر چیز حاکی از نقش بر آب شدن و شکست کامل این قبیل تشبثات در خارج از ایران دانست. رژیم آخوندی در ماههای گذشته از طریق ایادی خارج کشوری و مزدوران و مأموران اعزامی به غایت تلاش کرد چنین نگرانیهایی را درباره وضعیت مجاهدین در عراق دامن بزند .

مسئول شورا و فرمانده کل ارتش یزادبخش ملی خاطر نشان نمود: برای یسودگی خاطر آخوندها، دعوت و پیشنهاد می کنم اجازه

بدهند هر کس نگران سلامتی و وضعیت فرزند یا خویشاوندان خود در قرارگاههای مجاهدین است، با هزینه مجاهدین به دیدار ینها بشتابد و در صورت تمایل به زیارت کربلا و نجف هم مشرف شود . ما سلامت و بازگشت این می همانان را تضمین می کنیم و رژیم می تواند از جهت اطمینان نمایندگان دفتر ملل متحد در تهران را هم با ینها همراه کند . اگر هم کسی از نزد ما، خواهان بازگشت به ایران به اتفاق خانواده اش باشد، همه تسهیلات را فراهم می کنیم .

مسئول شورای ملی مقاومت گفت: درپ همه قرارگاهها نه تنها بر روی خانواده های مجاهدین بلکه بر روی همه هموطنان باز است . ای کاش آخوندهای پلید و خونریز نیز اجازه می دادند یک هیئت از وکلا و حقوقدانان بین المللی همراه با گزارشگران ملل متحد و نمایندگان مقاومت ایران از مراکز جاسوسی و تروریستی و انباشت تسلیحات کشتار جمعی و همچنین زندانهای رژیمشان بازدید به عمل بیاورد .

در همین باره آقای رجوی طی نامه ای به دبیرکل ملل متحد خواهان تشکیل یک هیئت بین المللی برای بررسی دعای رژیم و همچنین تحقیق در مورد شمار فزاینده اعدام و سنگسار و نیز اعمال فشار علیه خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی در داخل ایران گردید .

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران
۸ آبان ۱۳۸۱ (۳۰ اکتبر ۲۰۰۲)

رونوشت:

-دبیرکل ملل متحد
-کمیسر عالی ملل متحد برای حقوق بشر
-کمی سر عالی ملل متحد برای پناهندگان
-رییس کمیته بین المللی صلیب سرخ
-سازمانها و مجامع بین المللی مدافع حقوق بشر

شهادی فدایی

آذر ماه

رفقای فدایی: همایون پریزاده - قرنی حسنی - رحمت طالب نژاد - اسدالله بشردوست - پرویز نصیر مسلم - ابوالقاسم نیکچه همدانی - علیرضا بهاریپور - علی عبدالعلی زاده - محمدرضا شهناز - غلامرضا کاروردیان چایچی - حمیدرضا سعادت - مختار قلعه ویسی - احمد اقدسی - بهروز بهروزی - حسین تدریسی - فرهود روانی - محسن مدیر شانه چی - فریدون شافعی - زهرا آقایی قلعهکی - علیرضا شهاب رضوی - ماهرخ فیال - مینا رفیعی - محمدعلی پاپویار - مسعود صارمی - جلال دهقان - رحیم تشرکی - حسن زکی زاده - وحید پیروزی - به دست دژخیمان رژیمهای شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

جاودان باد یاد رفیق وحید پیروزی

رفیق وحید در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده فرهنگی تبریز به دنیا آمد. وی معلم روستاهای آذربایجان بود. رفیق در انتشار نشریه اخبار آذربایجان بعد از انشعاب کمیته مرکزی، نقش به سزایی داشت و در مرداد ما ۱۳۶۰ توسط مزدوران پاسدار دستگیر می شود با انواع شکنجه های روحی و جسمی نمی توانست مقاومت او را بشکنند. شبی در مهرماه ۱۳۶۰ رفیق را می برند اعدامش بکنند و خون زیادی از او می کشند ولی از میدان تیر او را برمی گردانند. خون زیادی از او کشیده بودند رنگش زرد شده بود ولی اصلا چیزی نمی گفت. سرانجام رفیق را در آذرماه ۱۳۶۰ به جوخه اعدام سپردند. یادش گرامی باد

حسن (قالیباف)

آدم کشی تنها راه حل قضائی جمهوری اسلامی

لیلا جدیدی
جرایم سرقت مسلحانه، قتل، تجاوز، قاچاق مواد مخدر و کفر گوئی در رژیم جمهوری اسلامی مشمول مجازات مرگ - در بسیاری مواقع در برابر دیدگان مردم - است. جمهوری اسلامی برای کاهش جنایت و فساد و یا حذف مخالفان خود متوسل به حذف فیزیکی آنان می شود، اما طبق آمارهای بین المللی نه تنها در ایران بلکه در هیچ یک از کشورهایی که با اعمال مجازات مرگ، شانه از زیر بار مسولیتی که در برابر جامعه برای ایجاد محیطی سالم و به دور از تبعیض دارند، خالی می کنند از تعداد جرایم و گسترش ناهنجاریهای اجتماعی کاسته نشده است. مجازات اعدام که هم اکنون از قوانین جزائی بیش از نیمی از کشورهای جهان حذف گشته، در مراجع بین المللی به عنوان یکی از موارد نقض حقوق بشر شناخته شده است. از مهمترین دلایلی که غیر انسانی بودن بقیه در صفحه ۱۹